

سرمقاله ...

کارنامه و مرده ریگ یک مستبد

منصور امان

به سختی می‌توان چهره دیگری جز زشتی را در جنگ مشاهده کرد، اما اگر در سیاهچاله آن فقط یک روزنه کوچک نور وجود داشته باشد، بی‌تردید هلاکت حقیرانه علی خامنه‌ای یکی از آنهاست؛ روزنه‌ای نادر که تاریخ گاه و بیگاه فرصت دیدن آن را می‌دهد.

جنگ سالار و رشک‌سته

شاهان و امرای بی‌کفایت در تاریخ ایران کم‌تعداد نبوده‌اند. این سرزمین زخم تجربه دوره‌های سیاهی را زیر سلطه آنان بر تن دارد که با زندگی غیرانسانی مردمان، ستمکاری و خُشونت افسارگسیخته حاکمان، ویرانی مَلک و مرزهای گُسیخته و بی‌سامان آمیخته شده بوده است. با این حال دوران صدارت علی خامنه‌ای در میان این دوره‌ها به‌گونه شاخص ماندگار خواهد شد. او یک کشور غنی از ثروت‌های طبیعی، واقع در یکی از پُراهمیت‌ترین نقاط سیاسی-جغرافیایی کره زمین و با سرمایه انسانی گرانسنگ را به ویرانه‌ای انسانی، ملی و زیست محیطی بدل کرد. استعداد او در تخریب و تحجر زمانی بروز می‌یافت که عصر پیشرفتهای علمی و اقتصادی، تحول بنیادین شیوه و امکانات زندگی، طرح و داوری براساس ارزشهای عمومی بشری و دستاوردهای تمدنهای دو قرن بیستم و بیست و یکم در رسیده بود.

علی خامنه‌ای گام‌به‌گام شیرازه زیست انسانی در ایران را از هم گسست و به جای آن مرگ، سرکوب، تحقیر، جنگ را به خانه‌ها آورد. حکمرانی او روند سقوط کشور را تا بدانجا پیش برد که در آخرین سال عمر زینابارش، تامین برق، آب، غذا و حاملهای انرژی به صف کالاهای نایاب دیگر پیوست و ارزش پول ملی و همراه آن، قدرت خرید جامعه به پهنه گرسنگی و محرومیت از در دسترس‌ترینها فروکاست.

آخوند خامنه‌ای در تمام طول صدارتش جنگی بی‌امان را علیه زنان میهن پی‌گرفت؛ رویکردی که بخشی از استراتژی تامین اقتدار رژیم‌اش بود و در اجزای دیگر، اکثریت جامعه را زیر عنوانهای گوناگونی همچون مخالف، منتقد، دگراندیش، کافر، مرتد، پهلایی، سنی، ملحد، جاسوس و جز آن مورد تهاجم قرار می‌داد.

بقیه در صفحه ۲

پیام شادباش سخنگوی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به مناسبت عید نوروز و آغاز سال ۱۴۰۵

صفحه ۳

برنامه ویژه رادیو پیشگام

به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵

- ۱- پیام رفیق مهدی سامح، سخنگوی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
- ۲- سرود «گل مینا»، از آثار کارگاه هنر ایران
- ۳- غزلی از حافظ با صدای احمد شاملو
- ۴- ترانه «عمو نوروز» با صدای شهرام ناظری
- ۵- سروده‌ای از رفیق کیائیا با صدای شاعر

برای شنیدن این برنامه بر روی لینک زیر کلیک کنید:

<https://soundcloud.com/radio-pishgam/tqnnnr7yq54v...>



اطلاعیه های سازمان

چریک‌های فدایی خلق ایران

مرگ دیکتاتور،

آزمون و آغاز یک راه

هشدار پیرامون خطر اقتدارگرایی نوظهور

برای آینده ایران

جنگ برگشته، زمان همبستگی و اقدام

جمعی است

مردم و مراکز غیرنظامی

میدان جنگ نیستند!

در صفحه های ۳ و ۴

متن سخنرانی در کنفرانس

«رهبری زنان؛ ضرورت یک ایران

آزاد و جمهوری دموکراتیک»

زینت میرهاشمی

صفحه ۵

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

صفحه ۱۴

در این شماره ...

صفحه ۶

چالشهای معلمان (اسفند ۱۴۰۴) - فرنگیس بایقره

صفحه ۸

رویدادهای هنری ماه (اسفند ۴۰۴)

صفحه ۱۰

دانشگاه در ماهی که گذشت (اسفند ۱۴۰۴) - کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۵

زنان در مسیر رهایی (اسفند ۱۴۰۴) - اسد طاهری

صفحه ۱۹

جنبش رنگین کمان بی‌شماران (اسفند ۱۴۰۴) - پویا رضوانی

صفحه ۲۴

یادواره / فدایی شهید محمد چوپان زاده - امیر ابراهیمی

صفحه ۲۴

شهدای فدایی فروردین ماه

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

سرمقاله ...

کارنامه و مرده‌ریگ یک مستبد

بقیه از صفحه ۱



انتخاب خامنه‌ای جنگ بود
با این پیش زمینه رژیم خامنه‌ای وارد دور بعدی مذاکرات با آمریکا شد، در حالی که از یک موضع ضعیف‌تر پشت میز می‌نشست، همه کارتهایش خوانده شده بودند و هر کس به‌خوبی می‌توانست به سادگی تصور کند که جایگزین توافقی در این مذاکرات چه خواهد بود. حتی اگر برای کسی این واقعیات پنهان مانده بود، با یک نگاه به سازوبرگی که آمریکا در منطقه گرد می‌آورد، به شتاب درمی‌یافت که پشت درب بیت چه ایستاده است.

راهکار خامنه‌ای تکرار جزء به جزء نسخه مذاکراتی بود که به جنگ دوازده روزه انجامید، با همان دستور کار، همان شرطها و همان پیشنهادات. اگر کسی افاضات پادوی او، عباس عراقچی، پس از هر دور مذاکره با ویتکاف را می‌خواند، بی‌تردید می‌پنداشت که به اشتباه اخبار کهنه را مرور می‌کند. علی خامنه‌ای جنگ را انتخاب کرده بود. او بین واگذاشتن ابزارهای سلطه بر ثروت و قدرت و سرنگونی تدریجی و وارد کردن کشور و جامعه به یک کشمکش نظامی، دومی را برگزید. یک جنگ آخرالزمانی با ایدیولوژی تباه ولی فقیه سازگار بود و در انتها دستکم شناسی را برای رژیم‌اش در این یا آن شکل باقی می‌گذاشت، هرچند که آیندگان را وارث کشوری ویران کرده باشد.

رژیم ولایت فقیه دو بار دروازه را برای جنگ گشود، نخستین بار در جنگ دوازده روزه به واسطه تاکتیکهای بیخردانه برای سرگرم کردن طرفها و گرفتن امتیاز و در جنگ کنونی بدون واسطه و آگاهانه.

تایید داوریهها و پیشداوریهها

حمله رژیم ج.ا به کشورهای عربی جنوب خلیج فارس با موشک و پهپاد و هدف گرفتن تاسیسات نفت و گاز و مراکز غیرنظامی و هدف گرفتن کشتیهای تجاری و نفتکشها ظرفیت و آمادگی آن برای دست زدن به اقدامات بی‌پروا و جنون‌آمیز را به روشنی آشکار کرد. پیامدهای این اقدامات بسیار گسترده است و تا آنجا که به همسایگان آبی ایران مربوط می‌شود، آثار مخرب آن بر همزیستی مسالمت‌آمیز در این منطقه از جهان، در کوتاه‌مدت برطرف نخواهد شد. از طرف دیگر ایجاد اختلال در اقتصاد بین‌المللی در عمل سطح تهدیدات ناشی از رژیم حاکم بر ایران را در ابعاد جهانی افزایش داده است و این به معنای درگیر شدن ناگزیر کشورهای بیشتری در پرونده رژیم ولایت فقیه بوده و پیرو آن ملاحظه این فاکتور در برخورد بدان است.

رژیم ج.ا در عرض فقط ده روز، برای نگرانیها و ادعاهایی که در خلال چهل سال گذشته پیرامون پتانسیل ویرانگری آن و خطرات دستیابی‌اش به سلاحهایی که به‌وسیله‌شان بتواند این ظرفیت سیاسی-ایدیولوژیک را به جامه عمل دربیارد، شواهد کافی و اذعان‌کننده ارائه کرد. رژیم ولایت فقیه به روشنی و بر صحنه‌ای بین‌المللی سطح دیگری از سیاستهای شرورانه پیشین را به نمایش گذاشت و طرفهای خود، همسایگان و کشورهای دیگری که از جنگ و صلح در خاورمیانه و خلیج فارس تأثیر می‌پذیرند را متقاعد کرد که در کف دیوانه مست، تیغ نباید باشد.

تحولات ویرانگری که امروز در جریان است، ثابت می‌کند که سیاست مخالفت با دستیابی رژیم خامنه‌ای به سلاح هسته‌ای و پشتیبانی از اقدامات بازدارنده علیه آن تا چه اندازه واقع‌بینانه بوده است. با نگاه به استراتژی جنگی ج.ا که هم اکنون نمود یافته، هر کس می‌تواند به سادگی نتایج و پیامدهای سناریویی را تصور کند که در آن حاکمان ایران مجهز به بمب اتم وارد جنگ می‌شدند. تردیدی نیست که اگر آنها موجودیت خود را در خطر ببینند، از کاربرد سلاح هسته‌ای علیه «دشمنان» هرگز پرهیز نمی‌کنند.

ماه گذشته، دی، رژیم ولایت فقیه این فرضیه را به اثبات رساند. او هنگامی که با اعتراضات سراسری مواجه شد و باوجود کاربرد خونین سرکوب شاهد روند رشد یابنده آن گردید، خود را در خطر موجودیت یافت. حاکمیت بی‌درنگ با وسایل و تجهیزات یک جنگ جبهه‌ای به رویارویی با مردم رفت. هزاران معترض بدون دفاع، زیر رگبار تیربار، مسلسل و تک‌تیراندازها جان باختند. خامنه‌ای و ایلگاری سپاه پاسداران دیوانه‌وار و بی‌هدف به هر سو شلیک کرده و در هر سو کشته‌ای به جا گذاشتند. آنها در تهاجم به «دشمن»ی که به شیوه مدنی سرنگونی آنها را طلب می‌کرد، نه مرزی اخلاقی و انسانی را رعایت کردند و نه در چارچوب پروتکل‌های بین‌المللی باقی ماندند. خشونت افسارگسیخته‌ای که آنان در این کشتار بخرج دادند، از سیاست و باوری سرچشمه گرفته که برجا گذاشتن زمین سوخته در صورت تهدید بقا را پیش فرض دارد.

در این میان، کشورهای اروپایی نیز که تا مدتی کوتاهی پیش از این تهدید رژیم حاکم بر ایران در خاک خود را کوچک جلوه می‌دادند، اکنون از به صدا درآوردن آژیر ممتد خطر «حملات تروریستی» خسته نمی‌شوند. هنوز از یاد نرفته که چگونه اتحادیه اروپا برای طرفه رفتن از برخورد جدی با سپاه پاسداران و آزردن ارباب آن، به استدلالهای بی‌پایه و اغلب ریشخندآمیز حقوقی و قانونی متوسل می‌شود. در کارنامه «قانون‌مداران» اروپایی، از آزاد کردن تروریستهای دستگیر شده حین ارتکاب جرم تا باج‌دهی به «تروریستهای» بعد از این، فراوان به چشم می‌خورد.

بقیه در صفحه ۴

مرگ او اما در انتها زیر آوار جنگی روی داد که برای درگرفتن آن از هیچ تلاشی فروگذار نکرده بود. رژیم وی در خلال ۳۴ سال گذشته، تنش و درگیری با آمریکا و اسرائیل را به‌گونه پیوسته و منظم افزایش داد و در نتیجه، پرسش در باره رسیدن این کشمکش به نقطه جوش، مساله زمان بود و نه آیا در اصل! مسوول جنگ ویرانگری که کشور ما اکنون به دهلیز آن افتاده، همان کسی است که بیش از سه دهه بر طبل جنگ کوبید تا آنکه ارواح شوم جنگ به ندایش پاسخ گفتند و نازل شدند. اگرچه به جز اندکی حامیان شناسنامه‌دار، کمتر کسی نقش مرکزی رژیم ج.ا در شعله‌ور کردن آتش جنگ را نادیده می‌گیرد، با این حال شاید مرور کژراهه‌ای که به این نقطه ختم شد، خالی از فایده نباشد.

نقطه چرخش و سترونی ج.ا

اکنون و پس از تحولات شتابان و پیوسته، بسا دقیق‌تر می‌توان شبیخون حماس با اسرائیل در ۷ اکتبر را به منابه لحظه تغییر مسیر درگیریها در خاورمیانه توصیف کرد. برجسته‌ترین مولفه این پروسه، شکست استراتژی بازدارندگی یا «عقبه استراتژیک» است. خامنه‌ای و شرکا توان نتیجه‌گیری از تحولات پس از ۱۷ اکتبر و بازگشت ترامپ به کاخ سفید را داشتند، اما چون آنرا با منافع خود سازگار نمی‌دیدند، به سادگی نادیده‌اش گرفتند. آنها به‌جای تغییر سیاست در چارچوب جدید، به روشهای پیشین برای سرگرم کردن طرفهای‌شان پرداختند. خامنه‌ای وقتی حاضر به مذاکره شد، زیر عنوان «مذاکره فقط با موضوع هسته‌ای»، هدفی جز فرار از اجبار به کنار گذاشتن سیاستهای بحران آفرین موشکی، تروریستی، جنگهای نیابتی و بی‌ثبات‌سازی نداشت. این در حالی بود که حمله اسرائیل به حزب‌الله و به قتل رساندن رهبران آن و از جمله حسن نصرالله، فرضیه‌های پیشین در مورد پیامدهای حملات در چنین سطحی را تغییر داده بود و به این ترتیب، گزینه «جنگ» این‌بار به گونه عینی روی میز قرار می‌گرفت و در پیچه حل و فصل موارد مورد اختلاف با رژیم ج.ا برای آمریکا و اسرائیل چارتاق باز شده بود.

جنگ دوازده‌روزه نتیجه مستقیم سیاست «کسب‌وکار طبق معمول» است و تغییر پارادایم در بحران خاورمیانه و چگونگی پیشبرد منازعات را به گونه نمایان‌تر به خامنه‌ای و همدستان نظامی-امنیتی‌اش نشان داد. این جنگ نشان داد که منازعه به داخل قلمرو ایران منتقل گردیده و - همانگونه که تصور می‌رفت - ج.ا فاقد توانایی دفاع موثر از در برابر حملات است.

این دو فاکتور در ظاهر باید آنگونه قانع کننده می‌بود که رژیم حاکم را وادار به جستجوی راه خروج سیاسی و عقب‌نشستن از مواضع ماجراجویانه خود کند، در عوض اما حاکمیت به شدت در تلاش برای بازسازی و گسترش زرادخانه موشکی خود برآمد و از همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سرباز زد. در حالیکه این همکاری در شرایط نه جنگ و نه صلح حیاتی بود و یک راهکار واقعی برای دور کردن خطر تغییر این وضعیت. همزمان انتشار اخبار سلسله وار در باره کشف و توقیف پول یا اسلحه قاچاق به مقصد حزب الله لبنان نشان از تلاش برای سر پا کردن دوباره این گروه داشت. در همین راستا اعلام تشکیل «جبهه مقاومت اسلامی سوریه» از سوی رسانه‌های سپاه پاسداران و سپاه قدس و نیز اتهام مشارکت در درگیریهای لاذقیه سوریه قرار می‌گرفت.

مرگ دیکتاتور، آزمون و آغاز یک راه

به گفته تلویزیون حکومتی، علی خامنه‌ای، یکی از کربه‌ترین چهره‌های تاریخ ایران، با مرگی تحقیرآمیز از سر راه مردم ایران کنار زده شده است.

او تجسم شر برای پیر و جوان، مرد و زن بود و دوره سیاهی را برای کشور و مردم رقم زد که با تحقیر، بی‌عدالتی، تبعیض، فلاکت، فساد و سرکوب خونین شاخص می‌شود. علی خامنه‌ای به همان اندازه که در خونریزی، بیرحمی و ستمکاری بر فرودستان ید طولایی داشت، در کشورداری، مدیریت کلان و دوراندیشی از بی‌کفایت و نالایق‌ترین حکمرانان تاریخ ایران بود. حتی در جریان کشته شدن وی نیز این ناتوانی و بی‌تدبیری است که بیش از همه خود را به نمایش می‌گذارد. باوجود قرار داشتن در حالت آماده‌باش، استقرار نیروهای نظامی آمریکا و آگاهی از تعیین شدن به عنوان هدف، خامنه‌ای در اولین ساعت شروع کشمکش نظامی حذف شد. ملا عمر و صدام حسین در شرایط بدتر، زمان طولانی‌تری توانستند زنده بمانند.

خامنه‌ای به پایانی که شایسته‌اش بود، یعنی نشستن بر چارپایه متهم در دادگاه خلق ایران نرسید، اما این فقط به طور مشروط شادی عظیم مردم از مرگ این جنایتکار را کدر می‌کند. با مرگ او فصل تاریکی از حیات اجتماعی ایران به آخر می‌رسد، اما این هنوز به معنای در رسیدن خودبخودی دورانی روشن نیست. نور و گرمای زندگی دوباره را مشعل مردم آگاه و متحد به این سرزمین خواهد آورد.

برافراشته باد پرچم مبارزه برای انقلاب، دموکراسی و عدالت

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ - ۱ مارس ۲۰۲۶

هشدار پیرامون خطر

اقتدارگرایی نوظهور برای آینده ایران

رضا پهلوی با حمله به شماری از احزاب و جریان‌های سیاسی کردستان ایران و تهدید آنها به سرکوب، مرزهای رقابت معمول سیاسی را پشت سر گذاشته و به سطح دشمن‌سازی و تنش آفرینی برده است.

اگرچه از هنگام شروع خیزش مهسا (ژینا) امینی «زن زندگی آزادی» او و جریانش هجوم مجازی و فیزیکی به نیروهای دگراندیش را با هدف حذف آنها آغاز کرده اند، اما رضا پهلوی در بیانیه اخیر خود چند گام در رویکرد ضددموکراتیک و فاشیست مابانه خود جلوتر رفته است. او آشکارا وعده به‌کارگیری نیروی نظامی علیه کردها را می‌دهد و با افترای شناخته شده «تجزیه‌طلبی»، برای سرکوب کردستان زمینه و بهانه می‌چیند.

پریروز «چپی و مجاهد»، دیروز جمهوریخواه و مشروطه طلب، امروز کردها و فردا کدام بخش از مردم ایران در تیررس جریان افراطی سلطنت طلب قرار خواهند گرفت؟ تردیدی نیست که خارج شدن این جریان از پروسه رقابت سالم سیاسی و جایگزین کردن آن با تقابل و خصومت ورزی یک پروژه مشخص با دستور کار مشخص است. هدف، هموار کردن مسیر دستیابی این جریان به سلطه بی‌چون چرا و بدون رقیب است و هرآنکه با ولی تاج به سر بیعت نکند یا خواهان نظم سیاسی دیگری جز سلطنت باشد، «دشمن» شناخته می‌شود.

رویکرد سرکوبگرانه و حذفی رضا پهلوی و جریان او، افق آنچه که برای ایران به ارمغان خواهد آورد را در برابر دید همگان گذاشته است. تنش آفرین‌های کوچک امروز وی، درگاه آشوب‌های کنترل نشده فردا است. او پتانسیل مخرب خود در تفرقه افکنی و به جان هم انداختن گروه‌های اجتماعی و سیاسی را در جامعه کوچک ایرانیان خارج کشور به اثبات رسانده است. این سیاست در مقیاس بزرگ ایران، آبستن یک فاجعه اجتماعی و انسانی است.

افراطیون سلطنت‌طلب عامل گذار از مناسبات استبدادی بیرحم و بحران زای رژیم خامنه‌ای به مناسباتی که در آن روابط میان احزاب، نهادها و شهروندان بر پایه قواعد دموکراتیک و بدون توسل به خشونت، حذف یا زور شکل بگیرد، نیستند و این را از هم اکنون به زبان می‌آورند و نشان می‌دهند. آنها نیروی سیاه تحول هستند که بر شانه آن وارد می‌شوند، همزیستی اجتماعی را لگدمال می‌کنند و با خود هرج و مرج، اردوکشی و درگیری داخلی می‌آورند. خرده مستبدهایی که امروز علیه دیگران قداره می‌کشند، فقط می‌توانند بحران برپیت استبداد دینی را به مرزهای جدیدی گسترش دهند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

آدینه ۸ اسفند ۱۴۰۴ - ۲۷ فوریه ۲۰۲۶

پیام شادباش سخنگوی

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

به مناسبت عید نوروز

و آغاز سال ۱۴۰۵

عید نوروز و آغاز سال ۱۴۰۵ را از جانب خودم و رفقایم در سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به زنان و مردان ایران زمین تبریک و شادباش می‌گویم. در جشن بهار برایتان سلامتی، سرسبزی، آزادی و صلح آرزو می‌کنم. همراه با بیداری، زایش و شکوفایی طبیعت، سپری شدن شرایط دشوار کنونی را آرزومندم. آخرین جمعه سال ۱۴۰۴ همزمان است با تحویل سال جدید و همراه با نسیم بهاری، مزار شهیدان خیزشهای انقلابی، میعادگاه بیان شورانگیزترین احساسها و ژرف‌ترین نیازها از جانب کسانی است که از جنگ و استبداد بیزارند و برای صلح و آزادی، برای عشق و دوستی و برای ایرانی بدون استبداد دینی و عاری از هر نوع ستم و تبعیض جنسیتی، مذهبی و ملی مبارزه می‌کنند.

زنان و مردان دلیر ایران زمین!

ما سالی پُر تلاطم را پشت سر گذاشتیم و بارها نشان دادیم که نظام اهریمنی ولایت فقیه را برنمی‌تابیم و برای آزادی، رهایی و عدالت مبارزه می‌کنیم. ما امروز به خاطر فقدان کاروان هزاران شهید قیام سترگ دی ماه اندوهگینیم. وظیفه خود می‌دانم به خانواده این شهیدان ادای احترام کنم و از مقاومت تحسن برانگیز زندانیان سیاسی که زیر شدیدترین شکنجه‌ها مقاومت می‌کنند، یاد کنم.

خامنه‌ای و عمّله و آکره او می‌دانستند و بارها به چشم دیدند و به گوش شنیدند که نظام «ولایت فقیه» کانون سبیز توده‌های محروم و ستمدیده جامعه است و برای همین در خیزش ماه دی، طی دو شب هزاران شهروندان ایرانی، از کودک دوساله تا زنان و مردان سالخورده را به قتل رساندند.

هموطنان عزیز!

مردم ایران سال نو را در دشوارترین لحظات زندگی خویش آغاز می‌کنند. جنگ ویرانگر که دلیل اصلی آن سیاست‌های ضد مردمی و ضد ایرانی ولایت خامنه‌ای است، زندگی و معیشت میلیون‌ها شهروند ایران زمین را به تباهی کشانده است.

سازمان ما در آغاز جنگ دوازده روزه اعلام کرد: «اگرچه عامل حمله بامداد جمعه رژیم فاشیستی اسرائیل است، اما هیچکس جز خامنه‌ای و سپاه پاسداران مسئول کشتاندن ایران به این درگیری و پیامدهای آن نیست. آنچه که با صدای مهیب سر باز کرده، دمل چرکین جنگ طلبی و توسعه طلبی رژیم ولایت فقیه است.»

راست این است نظام تبهکار حاکم بر کشور ما با پروژه خانمان برانداز هسته‌ای، زندگی و معیشت دستکم نود درصد از شهروندان ایران زمین را به بالاتر از فاجعه سوق داده است. مردم ایران با تورم کلان، گرانی بی‌دنده و ترمز، قطع آب و برق و گاز و مهمتر از همه آسمان بی‌دفاع کشور درگیر هستند و بدیهی است که نوروز نمی‌تواند پیام آور شادی باشد، اما سرشار از شورانگیزترین نغمه‌های امید است.

زنان و مردان ایران زمین!

در لحظه تحویل سال جدید و اکنون که بسیاری از مردم داغدار از دست دادن بستگان شان، از جمله شمار زیادی از کودکان، هستند، با عرض تسلیت به همه شهروندان داغدار و با ابراز تنفر و انزجار از جنگ افروزان، همراه با شما آرزو می‌کنم که سال ۱۴۰۵، سال فرا رسیدن بهار صلح و آزادی، سال رهایی زنان و مردان سرزمین آفتاب و باد از چنگال نظام اهریمنی ولایت فقیه باشد.

امسال هم سخنانم را با جمله پرمعنا جاوید نام آرمیتا گراوند که گفت: «حتی تاریک‌ترین شب نیز پایان خواهد یافت و خورشید خواهد درخشید»، پایان می‌دهم.

سلامت و پیروز باشید

مهدی سامع

جمعه ۲۹ اسفند ۱۴۰۴ برابر با ۲۰ مارس ۲۰۲۶

جنگ برگشته، زمان همبستگی و اقدام جمعی است

هم‌میهنان!

رژیم شرور ولایت‌فقیه بار دیگر کشور را در گرداب خانمانسوز یک جنگ دیگر فرو برده است. تخاصم نظامی کنونی همچون «جنگ دوازده روزه» اجتناب‌پذیر بود، اگر حاکمان جمهوری اسلامی منافع ملی، نیک‌بختی مردم و پیشرفت ایران را بر منافع حقیر خود مقدم می‌شمردند. آنها و رهبر به گور رفته‌شان اما حفظ اهرمهایی که به خیال خود بقای آنان را بر تخت ثروت و قدرت تضمین می‌کند را بر همه آنچه که شما آرزو و مطالبه می‌کنید، ترجیح دادند. این سیاست ثابت و بدون تغییر رژیم جمهوری اسلامی است، زیرا منافع ضد مردمی آن ثابت و بدون تغییر است.

براساس همین ارزیابی بود که ما در اطلاعیه شماره ۴ خود به مناسبت اعلام آتش‌بس در «جنگ دوازده روزه» تأکید کردیم: «خاموش شدن سلاحها مترادف پایان جنگ نیست. صلح در درجه اول مشروط به کنار رفتن همه عواملی است که به جنگ دامن زده و می‌زند. رفتار حاکمان ج.ا ثابت می‌کند که توقف درگیری نظامی بدون داشتن مابه‌ازای سیاسی، فقط یک وقفه در روند مخاصمات خواهد بود.» (سه شنبه ۳ تیر ۱۴۰۴ - ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵)

شوربختانه جنگ کنونی که در آغاز راه خود است، می‌تواند ابعاد جهنمی‌تر و خسارت‌بارتری پیدا کند. حمله‌های موشکی و پهبادی بازماندگان خامنه‌ای به کشورهای منطقه نشانه‌های خطرناکی از این تحول است. رژیم حاکم ماه گذشته وقتی خود را در معرض سرنگونی دید، افسار گسیخت و دست به کشتار کور زد. اینک نیز که بین دو سنگ آسیاب خیزش توده‌ای و جنگ خارجی در حال له شدن است، در حال دست زدن به حرکات آخرالزمانی و دیوانه‌واری است که دیر یا زود کشورهای مورد تهاجم آن را هم به جنگ خواهد کشاند.

مساله مهم کنونی حفاظت از جان و سلامتی شهروندان، است؛ وظیفه‌ای که باقیمانده حاکمان ج.ا به هیچ‌وجه به آن اعتنائی ندارند. آنها به‌جای انجام اقداماتی برای کاهش تاثیرات شری که به خلق رسانده‌اند، مردم را تهدید به برخورد «قاطع و بدون مماشات» در صورت اعتراض کرده‌اند (دادستانی کل کشور) و یا اراذل و اوباش بسیجی را به «گشت‌زنی در محلات» و به بیان واضح‌تر، وحشت‌پراکنی و بستن دهانها فراخوانده‌اند. (خبرگزاری فارس)

رویکرد ضدانسانی رژیم حاکم اما حتی ذره‌ای از مسئولیت دولتهای آمریکا و اسرائیل کم نمی‌کند. آنها در کشمکش نظامی خود با ج.ا، مسئول حفظ جان و مال شهروندان غیرنظامی، به ویژه کودکان هستند و هیچ بهانه‌ای، از جمله اختلاط نیروهای نظامی با جمعیت غیرنظامی نمی‌تواند این مسئولیت را نقض کند.

در شرایطی که سرکوبگران حاکم با قطع اینترنت و محدودیت تلفن، امکانات اولیه کسب خبرها و اطلاعات حیاتی را از مردم سلب کرده‌اند، ضرورت همیاری و همفکری شهروندان در واحدهای اجتماعی کوچک و کارا از محافل و انجمنهای همسایگی تا تشکلهای محلات بیش از پیش احساس می‌شود. اجتماعات محلی می‌توانند در غیبت نقش خدماتی حکومت، به توزیع کالاهای اساسی بپردازند، به کودکان و سالمندان و خانواده‌های آسیب‌پذیر یاری برسانند، اقدامات لازم هنگام شرایط اضطراری را هماهنگ کنند و عوامل اخلاقر سرکوب را از محیط زندگی خویش بیرون برانند.

هم‌میهنان!

در موقعیت بحرانی کنونی همبستگی اجتماعی و سامانیایی بر این پایه فقط یک شرط مهم برای مدیریت آثار و پیامدهای جنگ نیست، بلکه همچنین نیاز و کلید تغییرات بزرگی است که به برچیدن رژیم رو به زوال حاکم و نظم غیرانسانی آن راه خواهد برد. به نیروی خویش اعتماد داشته باشید و آن را در این بستر به جریان اندازید.

زنده باد پیکار برای انقلاب، دموکراسی و برابری

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ - ۲ مارس ۲۰۲۶

مردم و مراکز غیرنظامی میدان جنگ نیستند!

جنگ ویرانگر در تداوم خویش اکنون به مراکز غیر نظامی گسترش یافته و در آتش آن مردم بی دفاع، به ویژه کودکان کشته یا زخمی شده‌اند. جنگ همچنین سلامتی و جان زندانیان را نیز به مخاطره انداخته است. همانگونه که ما در گذشته تأکید کرده بودیم، دوباره تکرار می‌کنیم: «هرگونه تعرض به ساکنان شهرها و درگیر کردن شهروندان عادی و غیر مسلح در کشمکشهای نظامی تحت هر عنوان و به هر شکل و شیوه یک جنایت جنگی و محکوم است.» (سجفخا، دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ - ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵)

ما در آغاز جنگ پیش اعلام کردیم که: «اگرچه عامل حمله بامداد جمعه رژیم فاشیستی اسرائیل است، اما هیچکس جز خامنه‌ای و سپاه پاسداران مسئول کشاندن ایران به این درگیری و پیامدهای آن نیست. آنچه که با صدای مهیب سر باز کرده، دمل چرکین جنگ طلبی و توسعه طلبی رژیم ولایت فقیه است.» (سجفخا، آدینه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ - ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵)

اکنون که میدان جنگ به دستکم ده کشور گسترش یافته، شاهد هدف قرار گرفتن مردم و مراکز غیرنظامی از جانب دو طرف جنگ هستیم. نمونه‌های گوناگونی از این اقدامات جنایتکارانه وجود دارد که به‌حق با محکومیت جهانی روبرو شده است.

رژیم ولایت فقیه در غیبت خامنه‌ای، سیاست ویرانگر توسعه‌طلبی اسلامی که میراث خمینی و خامنه‌ای است را ادامه می‌دهد و حاضر به قبول ترک مخاصمه با اسرائیل و به رسمیت شناختن راه‌حل دو دولت، دست برداشتن از پروژه هسته‌ای که دستکم دوهزار میلیارد دلار هزینه و زیان داشته و قطع کمک به نیروهای نیابتی نیست. اینها عوامل اصلی جنگ ویرانگری است که زندگی و معیشت شهروندان ایران را به فلاکت کشانده است.

هم‌میهنان!

واقعیت این است که «دوراهی استبداد دینی حاکم بین جنگ و سازش، دوراهی شما نیست. به جنگ و تحریم شما می‌توانید خاتمه دهید، برقراری صلح پایدار در کف شماس. برای اینکه این وطن، وطن شما باشد و نه میدان جنگ اقلیتی غارتگر و خونریز، باید برخاست و به نام آینده، رژیم جمهوری اسلامی را زیر آوار دیروز و امروز که ویران ساخته، دفن کرد.» (سجفخا، یکشنبه ۱ تیر ۱۴۰۴ - ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵)

مرگ جنایتکار و چپاولگر قرن پایان استبداد مذهبی و تحقق صلح و آزادی نیست. باید با تشکلیابی، همبستگی و استفاده از تمامی شیوه‌های ممکن، از جان مردم غیرنظامی و بی دفاع و هزاران اسیر در زندانهای جمهوری اسلامی حفاظت کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سه شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۴ - ۳ مارس ۲۰۲۶

سرمقاله ...

کارنامه و مُرده‌ریگ یک مُستبد

بقیه از صفحه ۲

برآمد

میراث علی خامنه‌ای برای بازماندگانش هر چه باشد، بی‌گمان ثبات سیاسی نیست. او رژیم ج.ا را فاقد مشروعیت اجتماعی کرد و ناچار ساخت که وظیفه تامین هژمونی را روی تک پایه قهر و سرکوب بگذارد و با خیزشهای پیوسته و رُشدیابنده چشم در چشم شود. آخوند خامنه‌ای تیشه به ریشه اسلام سیاسی زد و سکولاریسم را به گُفتنمان و مُطالبه کانونی جامعه بدل کرد. این مُستبد فاسد برای مردم ایران جنگی را به یادگار گذاشت که در حال حرکت به سمت ویرانیهای جبران‌ناپذیر است. اگر واپس‌مانده‌های او به حملات خود به تاسیسات انرژی و گردشگری کشورهای جنوب خلیج فارس ادامه دهند، به احتمال زیاد آمریکا و اسرائیل نیز از بُماربان زیرساختهای حیاتی کشور فروگذار نخواهند کرد. پیامد چنین حملاتی برای شرایط زیست و کار جامعه، زندگی مدنی، اقتصاد کشور و شیرازه‌های اجتماع فاجعه‌بار خواهد بود. حتی خاموش شدن سلاحها، در صورت باقی ماندن رژیم ج.ا بر اریکه قُدرت به معنای پایان جنگ نیست، بلکه درگرفتن آن را به دوره‌های متوالی انتقال خواهد داد؛ زمانی که دوباره یک شهر موشکی افتتاح شود یا تاسیسات اُتمی زیر زمینی برپا گردد. نُقطه پایان جنگ به گونه نهایی، نُقطه پایان رژیم ولایت فقیه است.

متن سخنرانی در کنفرانس «رهبری زنان؛ ضرورت یک ایران آزاد و جمهوری دموکراتیک»

زینت میرهاشمی

۱۶ اسفند تظاهرات بزرگی از طرف مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق در پاریس برگزار شد.

زینت میرهاشمی

با درود به شما و خستگی ناپذیری شما

در آغاز، از تحقق یک شعار یاد کنم و یاد همهٔ زنان و مردان ایران زمین که با شعارنویسی بر دیوارها و فریاد در کف خیابان - جان خود را از دست دادند یا اکنون در زندان هستند، گرامی می‌دارم.

آری شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای» و «خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک» تحقق یافت.

خامنه‌ای جنایتکاری بی‌رحم بود که در دوران حیاتش زندگی مردم را به تباهی کشاند و حتی برای به زیر خاک رفتن نیز جانهای بسیاری گرفته شد. من نیز، همچون میلیون‌ها انسان در ایران و جهان، از مرگ او شاد شدم. با این حال، مرگ او هرگز ضرورت رسیدگی به جنایاتش در یک دادگاه عادلانه، با حضور خانواده‌های دادخواه، را منتفی نمی‌کند.

همدردی خود را با مردم بی‌دفاع و غیرنظامی که زیر آوار و ویرانی‌های جنگ تحمیلی، سخت‌ترین شرایط اقتصادی و جانی را می‌گذرانند، اعلام می‌کنم. همچنین نباید زندانیان سیاسی را فراموش کنیم که در بدترین شرایط به سر می‌برند و جانشان در خطر است. سازمان ما اعلام کرده که: «هرگونه تعرض به ساکنان شهرها و درگیر کردن شهروندان عادی و غیر مسلح در کشمکش‌های نظامی تحت هر عنوان و به هر شکل و شیوه یک جنایت جنگی و محکوم است.» (سچفخا، دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ - ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵)

هم وطنان

ماجراجویی‌های توسعه طلبانه حاکمان ستمگر به خصوص خامنه‌ای جنایتکار، ایران ما را درگیر جنگی ویرانگر کرده که ابعاد آن را روزانه می‌بینیم. این درست است و واقعیت دارد که آمریکا و اسرائیل عامل حمله و تجاوز به کشور بودند اما واقعیت مهم تر و اساسی تر این است که رژیم خامنه‌ای و سپاه پاسداران مسئول اصلی این جنگ ویرانگر است. سازمان ما بارها تاکید کرده که «جنگ طلبی و توسعه طلبی رژیم ولایت فقیه» شهروندان ایران زمین و کشور را به فاجعه و ویرانی و فلاکت می‌کشاند.

اما جنگی که امروز بر سر مردم آوار شده است، حاصل ۴۷ سال حاکمیت دیکتاتوری ولایت فقیه است که با برافراشتن پرچم جنگ و نابودی، می‌خواست برای خود امنیت بخرد. این رژیم بود که پای کشورهای دیگر را تا مرزهای ایران و حتی به درون کشور کشاند.

دوستان، فردا ۸ مارس، روز جهانی زن است. تجربه نشان داده است که در همهٔ جنگ‌ها، زنان و کودکان در شمار نخستین قربانیان قرار دارند. می‌توان تصور کرد که زنان ایران، چه در زندان‌ها و چه در شرایط جنگی، با چه دشواری‌هایی روبه‌رو هستند.

با این حال، تاریخ نشان داده است که هرگاه زنان یک جامعه به صحنه آمده‌اند، حرکت برای آزادی شتاب گرفته است. در ایران کنونی روند آزادی با پیکار زنان و به ویژه زنان شورشگر با شعار «نه شاه و نه شیخ» با گام‌های استوار جریان دارد و بی‌تردید در سازماندهی قیام برای سرنگونی استبداد مذهبی نقشی تعیین کننده و راهبردی خواهند داشت.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به عنوان یکی از اعضای شورای ملی مقاومت ایران، برای برقراری یک جمهوری دموکراتیک، کثرت‌گرا و سکولار تلاش می‌کند. در این مسیر سازمان ما جریان «پهلوی» را عامل تفرقه و مانع پیشروی انقلاب می‌داند. همبستگی ما با سازمان مجاهدین خلق ایران و حضور ما در شورای ملی مقاومت برای پیشروی مسیر انقلاب و تحقق آزادی و برابری است.

سپاس که به من گوش کردید

دوم اسفند - کنفرانس با عنوان «رهبری زنان؛ ضرورت یک ایران آزاد و جمهوری دموکراتیک» با حضور زنان قانون‌گذار، دانشگاهیان، متفکران و شخصیت‌های برجسته سیاسی با درود به همه ی شما

درود بر خانم مریم رجوی عزیز که با هنر خود، همبستگی رنگارنگ و پر قدرتی از زنان کشورهای مختلف را در حمایت از حقوق زنان ایران ایجاد کرده‌اند؛ این همبستگی نشان‌دهنده قدرت و اراده زنان برای تغییر است.

قبل از صحبت در مورد وضعیت زنان به آنچه کهاین روزها در ایران می‌گذرد که بی نظیر است و شما در جاهای دیگر نمی‌بینید، رقص خشم، مردم ایران در عزاداری عزیزانشان میرقصند و آواز می‌خوانند تا به رژیم بگویند که تو شکست خورده‌ای، نه ما؛ این رژیم است که داغدار است و این ویژگی مقاومت مردم ایران است که عزیزانشان را هدیه به میهن میدانند

من افتخار میکنم که در انقلاب ۵۷ در مبارزه علیه سرنگونی رژیم سلطنتی و سرنگون کردن آن حضور داشتم و یک ۵۷ هستم؛ این بخشی از هویت و مبارزه تاریخی من است.

با درود به زنان و مردان پیشتاز جنبش برابری جنسیتی...

درود به زنان زندانی سیاسی که در سیاهچال‌های قرون وسطایی جمهوری اسلامی هر لحظه نفس کشیدن شان را با مقاومت سپری می‌کنند

در ایران ما، زن ضمن آن که قربانی یک نظم مدافع تبعیض هستند، همزمان روایتگر ایستادگی تاریخی هستند.

برجستگی نقش زنان در قیام دی ماه امسال را دیدیم. زنانی که با شجاعت، فصلی تازه در تاریخ مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتوری مذهبی گشودند.

واقعیت این است که تبعیض علیه زنان، رکن اصلی ساختار قدرت در ایران است از نظر قانون نظام ولایت فقیه، زنان که نیمی از جامعه هستند، صدای شان شنیده نمی‌شود و حتی اندام آنها نه در کنترل خود که با نیروی نظم مردسالار کنترل و در بسیار موارد سرکوب می‌شود. این واقعیت ۴۷ سال رژیم حاکم بر ایران است، اما نیروی مقاومت در برابر این نظم ضد انسانی روز به روز رشد کرده و به شکلی که دیگر راه عقب گرد را زنان خودشان مسدود کرده اند.

آنچه امروز در جنبش زنان ایران جریان دارد، فقط یک اعتراض مقطعی نیست، بلکه شاهد بروز خشم تاریخی انباشت شده زنانی هستیم، که چند دهه تبعیض در خانه و در جامعه را تجربه کرده‌اند...

این نسل زنان، دیگر سکوت نمی‌کند. نسلی است که ترس را شناخته، هزینه را پرداخته، و با این حال عقب نمی‌نشیند و با پایداری شان تعادل پیشین قدرت را به لرزه انداخته اند. صدایی که از خیابان‌های ایران، در جنبش ژینا مهسا امینی در سال ۱۴۰۱ و دی‌ماه خونین ۱۴۰۴ برخاست، مرزها را درنوردید و حقیقتی جهانی را به ثبت رساند که بدون آزادی زنان... هیچ جامعه‌ای آزاد نخواهد شد... و بدون حضور فعال زنان، جنبش دستاورد نخواهد داشت.

اما امروز وظیفهٔ ما فقط روایت رنج زنان نیست، ثبت قدرت زنان و ادای احترام به زنانی است که زیر بار ستم نرفتند و شماری از آنان در صحنه نبرد جان باختند و حداقل دستاورد آنان شکست نسبی «حجاب اجباری» است که به میزانی شکست ساختار استبداد دینی حاکم است. تاریخ نشان داده است، هرگاه زنان یک جامعه به صحنه آمدند حرکت برای آزادی شتاب گرفته و در ایران کنونی به نظر می‌رسد که این روند دیگر متوقف نخواهد شد.

چالشهای معلمان (اسفند ۱۴۰۴)

فرنگیس بايقره



کیومرث واعظی، معلمی که به زندان محکوم شد:
**کدام عدالت حکم می‌کند
سزای نوشتن اخراج و ۶ سال
زندانی باشد؟**

علیه امنیت کشور به چهار سال حبس و بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

آقای واعظی در تاریخ ۱۵ دی توسط نیروهای اطلاعات سپاه بازداشت و سپس به زندان دیزل آباد کرمانشاه منتقل شده بود. وی چندی بعد با تودیع وثیقه آزاد شد.

کیومرث واعظی، معلم بازنشسته و فعال صنفی ساکن سنقر پیشتر نیز سابقه بازداشت و محکومیت را داشته است.

تجمع دو روزه داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش

روز یکشنبه ۳ اسفند، گروهی از داوطلبان کارنامه سبز آزمون استخدامی آموزش و پرورش شهرهای مختلف کشور، مقابل ساختمان وزارتخانه آموزش و پرورش در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شهروندان معترض اعلام کردند که با وجود قبول شدن در آزمون استخدامی و با وجود هفت هزار سهمیه تکمیل ظرفیت برای اشتغال در آموزش و پرورش، این وزارتخانه به بهانه کمبود بودجه، تاکنون آنها را استخدام نکرده است.

روز دوشنبه ۴ اسفند، صدها کارنامه سبز به نمایندگی از هزاران نفر از سراسر کشور در دومین روز اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی دست به تجمع مقابل نهاد ریاست دولت زدند.

بازداشت عزیز اسماعیلی

عزیز اسماعیلی، عضو هیأت مدیره انجمن صنفی معلمان کرمانشاه، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. همزمان، یعقوب محمدی، معلم بازنشسته ساکن آبدانان، آزاد شد. بازداشت آقای اسماعیلی روز یکشنبه ۳ اسفند، توسط نیروهای امنیتی در محل سکونتش صورت گرفت. همزمان نیروهای امنیتی تلفنهای همراه وی و خانواده‌اش را ضبط کردند.

عزیز اسماعیلی، عضو هیأت مدیره انجمن صنفی معلمان کرمانشاه، پیشتر نیز به واسطه فعالیتهای خود سابقه برخوردهای امنیتی داشته است.

بازداشت وحید قاسمی و مادرش مهناز حداد



وحید قاسمی و مهناز حداد

وحید قاسمی، دبیر زیست شناسی دبیرستان شهید بهشتی فریمان، روز شنبه ۲ اسفند توسط ماموران اطلاعات فراجا در محل تدریس خود بازداشت و به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شد. یک روز پس از آن، مهناز حداد کاخکی، مادر وی که برای پیگیری وضعیت فرزندش به دادگستری فریمان مراجعه کرده بود، بازداشت شد و او نیز به زندان وکیل آباد انتقال یافت.

وحید قاسمی در حین تدریس در دبیرستان بهشتی فریمان توسط نیروهای اطلاعات فراجا بازداشت شد. یک روز بعد، مهناز حداد کاخکی، مادر آقای قاسمی در حالی که برای پیگیری وضعیت فرزندش به دادگستری فریمان مراجعه کرده بود، بازداشت شد.

اتهامات مطرح شده علیه وحید قاسمی، شامل تشویق به حضور در اعتراضات، فعالیت تبلیغی علیه نظام، توهین به رهبری و توهین به مقدسات است. اتهام منتسب به خانم حداد کاخکی نیز فعالیت تبلیغی علیه نظام عنوان شد.

وحید قاسمی، متاهل، پدر یک فرزند، معلم زیست شناسی و از دبیران شناخته شده در فریمان است. در خصوص مهناز حداد کاخکی نیز گفتنی است که وی ۵۳ سال دارد و معلم مقطع ابتدایی و ساکن گلپهار واقع در خراسان رضوی است.

کیومرث واعظی به ۵ سال حبس محکوم شد

کیومرث واعظی، معلم ساکن سنقر که در رابطه با خیزش سال ۴۰۴ بازداشت شده بود، توسط بیدادگاه انقلاب شهرستان سنقر به ریاست قاضی صادق تاری وردی، به اتهام اجتماع و تبانی

جانباختن یک کودک در حمله به نزدیک یک مدرسه پسرانه در آبیک

بامداد شنبه نهم اسفند، قبل از تعطیلی مدارس در اثر حمله به نزدیک یک مدرسه، یک دانش آموز به نام مهیار زنگانه متأسفانه جانباخت. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن تسلیت به خانواده دانش آموز جانباخته در آبیک قزوین، تاکید می‌کند؛ هدف قرار دادن مدارس و بیمارستانها، در هر شرایطی مردود است و آن را جنایتی علیه غیرنظامیان می‌داند. این شورا تأکید می‌کند که حمله به چنین فضاهایی نه تنها نقض اصول بنیادین انسان گرایی است، بلکه تخطی آشکار از قوانین بین‌المللی و کنوانسیونهای مربوط به جنگ محسوب می‌شود.

علی احمدی، معلم بازنشسته بازداشت شد

علی احمدی، معلم بازنشسته در تاریخ ۱۶ اسفند توسط نیروهای امنیتی در شیراز بازداشت و به زندان عادل آباد این شهر منتقل شد. وی در جریان اعتراضات دی ماه درباره شهیدان خیزش سخنرانی کرده و در پی تیراندازی نیروهای امنیتی زخمی شده بود. این معلم برای درمان به شیراز رفته بود که هنگام بازگشت به نورآباد ممسنی مجدداً بازداشت شد.

پس از بازداشت، آقای احمدی به زندان عادل آباد شیراز منتقل شد.

در این مدت، این معلم با خانواده خود تماس داشته و از اعمال خشونت در جریان بازجویی جهت اخذ اعترافات اجباری خبر داده است. همچنین وی اعلام کرده است که با اتهاماتی همچون افساد فی الارض مواجه شده است.

کشته شدن ندا امینی آذر در پی حملات هوایی آمریکا اسرائیل



ندا امینی آذر

چالشهای معلمان

اسامی شماری از دانش موزان جانباخته در مدرسه دخترانه شجره طیبه در میناب

بقیه از صفحه ۶



در پی حمله هوایی روز پنجشنبه ۱۴ اسفند به تبریز، خانم ندا امینی آذر، فرهنگی پرتلاش استان آذربایجان شرقی، هنگام عبور از اتوبان بر اثر شدت انفجار و موج ناشی از آن دچار جراحات شدید شد و به مراکز درمانی منتقل گردید. خانم امینی آذر پس از چند روز تحمل درد و آسیبهای ناشی از این حادثه، بامداد پنجشنبه ۲۱ اسفندماه جان باخت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، ضمن بزرگداشت یاد و نام این معلم متعهد، اقدامهای نظامی علیه غیرنظامیان و فرهنگیان را قویاً محکوم می کند و همبستگی خود با خانواده خانم امینی آذر و جامعه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی اعلام می دارد.

اعتصاب غذای مسعود فرهیخته معلم زندانی

مسعود فرهیخته، معلم زندانی، در اعتراض به عدم رسیدگی سازمان زندانها به وضعیت زندانیان، از روز سه شنبه ۲۶ اسفند دست به اعتصاب غذا زده است. این اقدام اعتراضی با هدف جلب توجه به شرایط زندانیانی صورت گرفته که فاقد شاکای خصوصی هستند؛ از جمله زندانیان سیاسی، فعالان مدنی و محکومان جرایم غیرعمد.

استقرار نیروهای سپاه در یک مدرسه در راسک

ویدئوی منتشر شده در روز سه شنبه ۲۶ اسفند، از روستای هدار، بخش جکیگور، شهرستان راسک، استان سیستان و بلوچستان نشان می دهد که نیروهای سپاه پاسداران در مدرسه «قمر بنی هاشم» این روستا مستقر شده اند. این نیروها با هدف در امان ماندن از حملات احتمالی آمریکا و اسرائیل به پایگاههای سپاه، این مکان آموزشی را برای استقرار انتخاب کردند. مردم نگرانند که چنین اقداماتی می تواند جان غیرنظامیان، به ویژه دانش آموزان و ساکنان محلی را در معرض خطر جدی قرار دهد، چرا که این مکانها ممکن است در صورت استفاده نظامی، به اهداف حملات تبدیل شوند.

پیام سوره دهقانی، مادر جاوید نام محراب گلستانی



۱. هتا دهقانی فرزند عماد
۲. زهرا بهرامی
۳. آتنا چملی نژاد فرزند روح الله
۴. فاطمه درازهی فرزند عبدالله
۵. فاطمه سالاری
۶. رضا جمشیدان فرزند علی
۷. اریا بهادری فرزند ترفی
۸. علی اصغر زارعی فرزند جواد
۹. احمد سلطانی فرزند یاسر
۱۰. حامد پری تقی نژاد فرزند هادی
۱۱. مهدیس نظری فرزند علی
۱۲. امیر قاسم زائی فرزند نجیب اله
۱۳. آراد احمدی زاده فرزند زهرایی فرزند عبدالله
۱۴. سامان کریم زاده فرزند فرزاد
۱۵. فاطمه شهدادی فرزند محمد
۱۶. نادیا شهیمیری فرزند حسن
۱۷. پرهام زنبیری فرزند مجتبی
۱۸. محمود غلامیانی فرزند قنبر
۱۹. فاطمه رهدار فرزند عابد
۲۰. امیر حسین رسولی سلیمانی فرزند حسین
۲۱. زهرا بهروزی فرزند حسین
۲۲. محمد حسام رئیسی فرزند حسن
۲۳. آتنا رئیسی فرزند حسن
۲۴. بنیامین جنگجو فرزند شهرام
۲۵. محمد صدرا زارعی پور فرزند مهدی
۲۶. مریم پازرک فرزند مصطفی
۲۷. لیانا محمدی فرزند فائز
۲۸. ماندانا سالاری فرزند علی
۲۹. سارا شایسته فرزند مسلم
۳۰. ضحی پسند فرزند ابراهیم
۳۱. اسرا ذاکری فرزند قهار

سوره دهقانی، مادر زنده یاد محراب گلستانی، از دانش آموزان جانباخته در قیام ماه دی، با انتشار ویدیویی در صفحه اینستاگرام خود از پایان چهل روزه سوگواری گفت و متنی احساسی منتشر کرد.

او در این پیام می نویسد: «چهل روز گذشت... وقتی عمه عزیزم این لباس را به من هدیه داد تا به رسم سنت مرا از عزا دربیارود، گفتم نه، از من نخواهید... من تا همیشه عزادارم.»

اما یادم رفته بود که من پیمان بستم؛ پیمان بسته بودم که به جای پاره تنم، محرابم، عشق بورزم، مهر بورزم، زندگی کنم... زندگی کنم...

پس خواسته ذهن و جسمم را پس زدم، سخت بود... اما دنیای من اکنون به فرکانس پرنترژی من نیاز دارد، به نور نیاز دارد... پس برخاستم،

خاله ها، عمه ها، دایی ها... یادتان نرود ما پیمان بستیم، ما ادامه داریم، برای فرزندانم، فرزند وطن.

رویدادهای هنری ماه (اسفند ۱۴۰۴)

این اداره قطعه «*Let Down*» را در یک پست شبکه اجتماعی با مونتازگی از قربانیان آمریکایی خشونت که وزارت امنیت داخلی ادعا می کند توسط «مهاجران غیرقانونی» مورد حمله قرار گرفته‌اند، منتشر کرده است.

متن ویدیو چنین است: «هزاران خانواده آمریکایی به دلیل خشونت غیرقانونی جنایی مهاجران از هم پاشیده اند. شهروندان آمریکایی توسط کسانی که حق حضور در کشور ما را ندارند، مورد تجاوز و قتل قرار می گیرند. این کسی است که ما برای او می جنگیم. این دلیل ماست.»

در بیانیه مشترکی که روز جمعه منتشر شد، اعضای گروه گفتند: «ما از آمانوهای کنترل کننده حساب شبکه اجتماعی ICE می خواهیم این پست را حذف کنند. خنده دار نیست، این آهنگ برای ما و دیگران خیلی معنی دارد و بدون درگیری با ما نمی توانید از آن استفاده کنید... همچنین، بروید به جهنم!»

رادپوهد تازه ترین عضو در سلسله طولانی هنرمندانی است که پس از استفاده ترامپ از موسیقی شان، اختصار حذف به او داده اند.

ادبیات

ابراز نگرانی انجمنهای قلم آمریکا و سیدنی در مورد نویسندگان زندانی



انجمنهای قلم آمریکا و سیدنی با انتشار بیانیه‌ای نسبت به امنیت نویسندگان، روزنامه‌نگاران و دیگر زندانیان سیاسی در زندانهای ایران در پی تشدید درگیریهای نظامی و گزارشهایی از حملات هوایی در نزدیکی برخی زندانها ابراز نگرانی کردند. این دو نهاد روز جمعه ۱۶ اسفند اعلام کردند گزارشهایی از حملات هوایی در نزدیکی مراکز بازداشت و اختلال در ارتباطات، نگرانیها درباره وضعیت زندانیان را افزایش داده است. به گفته این دو سازمان، بسیاری از این افراد فقط به دلیل استفاده از حق آزادی بیان زندانی شده‌اند.

این دو انجمن به‌ویژه نسبت به وضعیت زندان اوین در تهران ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند زندانیان بند ۲۰۹ که زیر نظر وزارت اطلاعات اداره می‌شود، به مکانی نامعلوم منتقل شده‌اند و احتمال انتقال زندانیان سیاسی بند ۷ نیز مطرح شده است. در میان افراد منتقل شده، نام علی اسداللهی، نویسنده و مترجم که چهارم بهمن بازداشت شد، نیز ذکر شده است.

در این بیانیه همچنین به نگرانیها درباره وضعیت زندانیان در زندان تهران بزرگ (فشافویه) و زندان زنجان اشاره شده است؛ جایی که ترگس محمدی، برنده جایزه صلح نوبل، نگهداری می‌شود.



درامهای تاریخی، تریلهای روان شناختی و داستانهای عاطفی درهم می آمیزند.

مهم ترین جایزه شب، یعنی بهترین فیلم، به «یک نبرد پس از نبرد دیگر» به کارگردانی «پل توماس اندرسن» رسید. اندرسن همچنین جایزه بهترین کارگردان را نیز برای همین فیلم دریافت کرد. این فیلم در مجموع ۶ جایزه اسکار به دست آورد و به پرافتخارترین اثر مراسم تبدیل شد.

جایزه بهترین بازیگر مرد به «مایکل بی. جردن» برای بازی در فیلم ترسناک «گناهکاران» رسید. این تریلر روان شناختی که «رایان گوگلر» آن را کارگردانی کرده، به دلیل بررسی تبعیض نژادی و فشارهای اجتماعی مورد تحسین قرار گرفت. در بخش بهترین بازیگر زن، «جسی باکلی» برای بازی در فیلم «همیت» برنده شد. این درام تاریخی از زندگی خانوادگی ویلیام شکسپیر الهام گرفته است و نشان می‌دهد چگونه یک تراژدی شخصی ممکن است بر شکل‌گیری نمایشنامه «هملت» تاثیر گذاشته باشد.

«شان پن» جایزه بهترین بازیگر مرد مکمل را برای نقش‌آفرینی در «یک نبرد پس از نبرد دیگر» دیگر دریافت کرد. «ییمی مدیگان» نیز برای بازی در فیلم ترسناک «سلاحها» جایزه بهترین بازیگر زن مکمل را به دست آورد.

موسیقی

اعتراض گروه بریتانیایی به سوواستفاده اداره ترامپ از آهنگش



گروه آلترناتیو راک بریتانیایی «رادپوهد» *Radiohead* از اینکه دولت دونالد ترامپ یکی از آهنگهای آنها را برای تبلیغ اداره مهاجرت و گمرک آمریکا *ICE* استفاده می کند، خشمگین است.

سینما

موج جدید سرکشی در سینمای ترکیه



فیلمهای «نامه های زرد» ساخته «ایلکر چاتاک» و «نجات» ساخته «امین آلپر»، دو فیلم سیاسی آشکار که رژیم استبدادی رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان را بررسی می کنند، جوایز برتر جشنواره برلیناله امسال را به اشتراک گذاشتند: خرس طلایی برای چاتاک و نقره برای آلپر. این فیلمها نشاندهنده بازگشت قدرتمند سینمای معترض ترکیه در دوره سرکوب سیاسی دوران اردوغان هستند. هر دو فیلم با زبان و فرم متفاوت، زندگی در یک نظام خودکامه را به تصویر می کشند.

فیلم «حروف زرد» روایت یک زوج به نام عزیز (استاد دانشگاه) و دریا (بازیگر) است که پس از امضای یک بیانیه صلح یا حمایت از اعتراضات، به «پخش تبلیغات تروریستی» متهم می‌شوند و یکشنبه از کار، خانه و زندگی اجتماعی حذف می‌شوند. چاتاک در این فیلم نشان می‌دهد چگونه ترس اقتصادی و فشار اجتماعی مردم عادی را به همدستی با دولت سوق می‌دهد و حتی قربانیان نیز کم‌کم خودسانسوری را می‌پذیرند.

فیلم «رستگاری» در «ماردین» می‌گذرد و بر اساس کشتار روستای «بیلگه» در «ماردین» در سال ۲۰۰۹ ساخته شده است. «نگهبانان روستا» در مرکز فیلم آلپر و جنایت سال ۲۰۰۹ قرار دارند. این شبه نظامیان که توسط دولت ترکیه استخدام شده اند، آزادانه سلاح حمل می کنند و در ازای مبارزه با شبه نظامیان کرد، مجوز فرار از زندان برای هر اقدام خشونت آمیز یا فاسد دارند. در این کشتار، دو نگهبان روستا دستکم ۴۴ نفر را در شهری همجوار با استفاده از سلاح های خودکار و نارنجک کشته بودند.

دو قبيله کرد، «هازران» و «بزاری»، بر سر زمین و قدرت درگیر می‌شوند. شخصیت اصلی، «مسوت»، با ترس‌پراکنی و سووظن بیمارگونه، مردمش را به خشونت می‌کشاند و یک رهبر مذهبی نیز با تعبیر خواب و وعده «نجات»، این خشونت را مشروعیت می‌بخشد.

اسکار ۲۰۲۶؛ شب روایت‌های جسورانه و بازیهایی قدرتمند

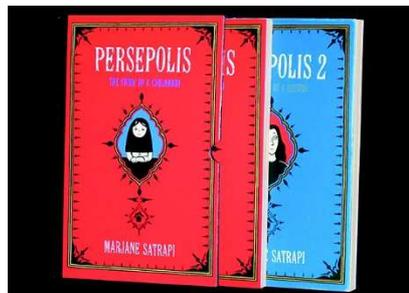
مراسم نود هشتمین دوره اهدای جوایز اسکار شب ۱۵ مارس ۲۰۲۶ در «سالن دالی» هالیوود برگزار شد. این مراسم مهم ترین دستاوردهای سینمایی یک سال اخیر را جشن گرفت و نشان داد که صنعت سینما بیش از پیش به روایت‌های بلندپروازانه گرایش پیدا کرده است؛ روایت‌هایی که در آنها

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۸

انجمنهای قلم آمریکا و سیدنی از مقامهای جمهوری اسلامی خواستند امنیت و محل نگهداری تمام زندانیان را تضمین کنند و افرادی را که تنها به دلیل استفاده مسالمت‌آمیز از حق آزادی بیان زندانی شده‌اند، آزاد کنند.

پرسپولیس؛ روایت ممنوعیت در مدارس شیکاگو



رمان گرافیکی نوجوانان «کنون در آتش بیدار شو» *Wake Now in the Fire* نوشته «جرت دیپیر» *Jarrett Dapier's* و تصویرگری «ای.جی. دانگو» *AJ Dungo* داستانی اما مبتنی بر یک رویداد واقعی در سال ۲۰۱۳

است؛ زمانی که مدارس دولتی شیکاگو (CPS) به‌طور ناگهانی دسترسی دانش‌آموزان به کتاب مشهور «پرسپولیس»، اثر مرجان ساتراپی، را در برخی کلاسها محدود کردند. این تصمیم بدون توضیح روشن درباره روند اتخاذ آن، موجی از اعتراض و کنشگری دانش‌آموزی را برانگیخت.

«پرسپولیس» که تجربه کودکی ساتراپی در دوران انقلاب ۱۳۵۷ ایران را روایت می‌کند، سالهاست در جهان به‌عنوان اثری مهم در ادبیات گرافیکی شناخته می‌شود. با این حال، در سال ۲۰۱۳، مقامهای آموزشی شیکاگو تدریس آن را در پایه‌های پایین‌تر ممنوع و دسترسی به آن را محدود کردند. دلیل رسمی این تصمیم، نگرانی درباره نمایش خشونت عنوان شد. در رمان، شخصیت نوجوانی به نام «آدیتی» *Aditi* - که از بمبئی به شیکاگو مهاجرت کرده - با خواندن «پرسپولیس» پیوندی عاطفی برقرار می‌کند. او آزادی دسترسی به کتاب را بخشی از هویت تازه خود در آمریکا می‌داند. روایت کتاب نشان می‌دهد که چگونه ممنوعیت یک اثر می‌تواند به نقطه آغاز کنشگری نوجوانان تبدیل شود.

دیپیر در یادداشت پایانی کتاب تأکید می‌کند که این رویداد «پیش‌درآمدی بر لحظه کنونی» است؛ زمانی که تلاشها برای سانسور کتاب در آمریکا رو به افزایش است. او یادآور می‌شود که «سانسور ادبیات اغلب نقطه آغاز سرکوب است.»

هنرهای تجسمی

هنر علیه تماشایی‌سازی جنگ



نمایشگاه عکس «پداگوژیهای جنگ» با چیدمان «چوس مارتینز» *Chus Martínez* در موزه ملی «تیسین-پورنمیس» مادرید افتتاح شد و به بررسی شیوه‌هایی می‌پردازد که تصاویر، ادراک ما از جنگهای تمام‌عیار را شکل می‌دهند.

این پروژه با محوریت آثار «رومن خیمی» *Roman Khimei* و «یارما مالاشچوک» *Yarema Malashchuk*، جنگ را نه یک رویداد، بلکه «یک وضعیت ادراکی و نظام آموزشی» معرفی می‌کند.

مارتینز با الهام از «سوتلانا آلپرز»، «کانت» و «کالوزویش»، بر «مه جنگ» - دوره‌های طولانی بی‌قطعیتی و انتظار - به‌عنوان بخش اصلی تجربه جنگ تأکید می‌کند. هنرمندانی که آثار آنها به نمای درآمده، آگاهانه از بازنمایی مستقیم خشونت پرهیز کرده و بر «زندگی روزمره، مال و وضعیتهای بینابینی» در «کی‌یف»، پایتخت اوکراین تمرکز دارند. این رویکرد، که یادآور فاصله‌گذاری برشتی است، تلاشی است برای مقاومت در برابر اقتصاد توجه که تصاویر شوک‌آور را ترجیح می‌دهد.

این آثاری به موضوعاتی مانند غیبت، نوستالژی، مراقبت از تصویر و بحران روایت در عصر پخش زنده (لایواستریم) می‌پردازند. مارتینز هدف نمایشگاه را ایجاد فضایی برای تأمل، گفتگو و مقاومت در برابر تماشایی‌سازی جنگ عنوان می‌کند. خیمی، مالاشچوک و کیوریوتور بر این نکته تأکید می‌کنند که هنر ذاتاً شکلی از مقاومت است؛ نه به‌عنوان ابزار تبلیغاتی، بلکه به‌عنوان فضایی برای پیچیدگی، تأمل و بازاندیشی. آنها جنگ را بازنمایی نمی‌کنند «همانگونه که هست»، بلکه چشم‌اندازی دیگر ارائه می‌دهند؛ چشم‌اندازی که در جهانی با مستندسازی بیش‌از‌حد، به دنبال «بازگرداندن عمق و انسانیت به تجربه جنگ» است.

گنجینه های ملی

آسیب به میراث تاریخی ایران در پی حملات اخیر



در پی حملات نظامی اخیر به چندین نقطه در ایران، مقامهای سازمان حکومتی میراث فرهنگی از وارد شدن آسیب به شماری از بناهای تاریخی و فرهنگی کشور خبر داده‌اند. این آسیبها به طور عمده ناشی از موج انفجار، لرزه‌های شدید و ریزش آوار در مناطق نزدیک به محل برخورد بوده است.

به گفته این مقامها بخشی از شیشه‌ها و تزیینات خارجی کاخ گلستان که در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده، بر اثر موج انفجار دچار ترک‌خوردگی و ریزش شده است. کارشناسان در حال بررسی میزان آسیب‌دیدگی سازه‌های بنا هستند.

در همین حال منابع محلی اصفهان نیز گزارش داده‌اند که لرزه‌های ناشی از انفجارها باعث آسیب به برخی از ستونها و تزیینات چوبی کاخ چهل ستون شده است. مسجد جامع اصفهان نیز که یکی از کهن‌ترین بناهای مذهبی ایران به شمار می‌رود، دچار ترکهای سطحی در بخشهایی از گنبد و ایوانها شده است. مقامهای محلی می‌گویند آسیبها «قابل مرمت» است اما نیازمند بررسی دقیق‌تر خواهد بود.

در استان لرستان نیز گزارشهایی از آسیب به مجموعه‌های تاریخی در محدوده خرم‌آباد منتشر شده است. بخشی از دیوارهای قدیمی و سازه‌های وابسته در اثر لرزه‌های شدید دچار ریزش شده‌اند.

سخنگوی یونسکو در بیانیه‌ای اعلام کرده است که این سازمان «با نگرانی» وضعیت میراث فرهنگی ایران را دنبال می‌کند و آماده است در صورت درخواست رسمی، تیمهای ارزیاب بین‌المللی را اعزام کند.

(منابع: جنگ خبر، گاردین، ال پائیز، رادیوفرده، التران، ایرنا، هنرهای طبقه کارگر، ان پی آر، العربیه)

دانشگاه در ماهی که گذشت (اسفند ۱۴۰۴)

کامران عالمی نژاد

دست به تجمع زدند. این تجمع توسط نیروهای بسیج دانشگاه به خشونت کشیده شد.



تجمع اعتراضی دانشجویان
دانشگاه امیرکبیر، ۳ اسفند ۱۴۰۴

*دانشگاه امیرکبیر صحنه تقابل دانشجویان و نیروهای سرکوبگر بسیج بود. دانشجویان تصاویری از جاویدنامان میهن را در دست داشتند و در برابر نیروهای بسیجی شعارهایی ضد حکومتی سر دادند. گزارش‌هایی از درگیری در این دانشگاه منتشر شده است.

*دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر در یادبود شهیدان و برای خونخواهی جاویدنامان دی ماه ۱۴۰۴، با شعار «می‌جنگیم، می‌میریم، ایران رو پس می‌گیریم» تجمع کردند.

*دانشجویان دانشگاه هنر ایران در تجمع اعتراضی که به یاد جاویدنامان وطن برگزار کردند شعار دادند: «این گل پرپر شده، هدیه به میهن شده»

*پرچم شیر و خورشید در دانشگاه صنعتی شریف به اهتزاز درآمد که مورد تشویق دانشجویان قرار گرفت.

*دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه ملی (عباسپور)، در حمایت از دانشجویان زندانی و تهدید دانشجویان به کمیته انضباطی، فراخوانی برای تجمع در روز دوشنبه ۴ اسفند منتشر کردند. همزمان دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، در حمایت از دانشجویان بازداشتی و به یاد جاویدنامان میهن و دانشجویان به قتل رسیده در دی ماه فراخوان به تجمع اعلام کردند.

*دانشجویان دانشگاه الزهرا در بیانیه ای بر ادامه مبارزه و دادخواهی تاکید کردند. در بخشی از بیانیه آمده است: «و ما دانشجویان دانشگاه عالی دختران ایران (الزهرا)، ایستاده‌ایم تا بگویم نام‌هایی را که اکنون بر سنگ مزارها می‌درخشند و جاودانه شده‌اند، به خاطر خواهیم سپرد و جنایت‌هایی را که انجام شد و همچنان ادامه دارد، فراموش نخواهیم کرد و تا آزادی ایران، خشم ما همچنان شعله خواهد افروخت.»

*تجمع دانشجویان دانشگاه هنر در یادبود جاویدنام امیرعلی زارعی. آنان سرود سوگند را همخوانی کردند، دانشجویان هم پیمان شدند که تا به نتیجه رسیدن دادخواهی و تا پیروزی بر حکومت جنایتکار به ایستادگی و مبارزه ادامه دهند.

بقیه در صفحه ۱۱

*دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد نیز با سر دادن شعارهایی همچون «دانشجو داد بزن، حق تو فریاد بزن» و «آزادی، آزادی، آزادی» در محوطه این دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

یکشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۴

*دانشجویان دانشگاه بهشتی به یاد جانبختگان دی ماه اقدام به راهپیمایی در صحن دانشگاه کردند. دانشجویان تاکید بر ایستادگی و تداوم مبارزه تا پایان جمهوری اسلامی داشتند. این تجمع از مقابل دانشکده ادبیات دانشگاه شهیدبهشتی با شعار «دانشجوی زندانی، آزاد باید گردد» آغاز شد. بیش از ۲۰ نیروی حراست مقابل دانشکده مستقر شده بودند تا مانع شکل‌گیری تجمع شوند، اما جمعیت شکل گرفت و شروع به حرکت کرد.

دانشجویان تصاویر و نام شهیدان دی ماه را با خود داشتند و آن‌ها را در دست نگه می‌داشتند. جمعیت از دانشکده ادبیات به سمت سلف حرکت کرد و شعار داد: امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه/ مرگ بر دیکتاتور/ قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان/ حسین حسین شعارتون، جنایت افتخارتون. در جریان تجمع، بیانیه‌ای نیز خوانده شد که بر ضرورت اتحاد دانشجویان و پرهیز از تفرقه تاکید داشت. دانشجویان در انتها تلاش کردند از دانشگاه خارج شوند، اما با معانعت نیروهای حراست مواجه شدند و در نهایت در محوطه دانشگاه باقی ماندند. تجمع با شعار «فکر نکنین امروزه، قرار ما هرروزه» پایان یافت.

*همزمان با تجمع در دانشگاه خواجه نصیر در چند دانشگاه دیگر درگیری‌هایی گزارش شده است و نیروهای بسیجی با دانشجویان معترض درگیر شدند.



*دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، با شعار: «مرگ بر خامنه‌ای»، «خونی که ریخته می‌شه با هیچی پاک نمی‌شه»

حکومت پس از سرکوب خونین دی ماه، در اقدامی حساب شده، دانشگاه‌ها را تعطیل و کلاسها را به صورت مجازی برگزار کرد. هدف اصلی این تصمیم، جلوگیری از شکل‌گیری اعتراضات دانشجویان در دانشگاه و خاموش کردن صدای اعتراض حول محور جنایت‌های رخ داده بود.

اما دانشجویان در بهمن ماه با انتشار بیانیه‌ها و فراخوان‌های متعدد در محکومیت کشتار مردم بی دفاع توسط رژیم ولایت فقیه، پاسخی قاطع به این حربه دادند. تحریم گسترده کلاسهای مجازی در دانشگاه‌های سراسر کشور نشان داد که دانشجویان با آگاهی کامل از ماهیت این رژیم، نه تنها حاضر به همکاری با آن نیستند، بلکه هم صدا با خانواده‌های شهیدای قیام دی ماه، تا سرنگونی این حکومت جانی از پای نخواهند نشست.

حکومت که قصد داشت در نهم اسفند با عادی‌نمایی اوضاع، دانشجویان را به اجبار روانه کلاسهای درس کند، با هوشیاری دانشجویان مواجه شد. دانشجویان در این فرصت، به طور مسئولانه و آگاهانه، برای هماهنگی و اطلاع‌رسانی جهت شرکت در تجمع و تحصن استفاده کردند.

در همین حال، روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴، حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به کشورمان آغاز شد و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بار دیگر جامعه را ناخواسته وارد جنگی ویرانگر کرد.

برگزاری دستکم ۵۴ تجمع دانشجویی در کشور طی ۴ روز

بررسی‌های دقیق و مورد به مورد صنف مستقل دانشجویان بهشتی نشان می‌دهد طی بازه زمانی شنبه ۲ اسفند (زمان بازگشایی دانشگاه‌های کشور) تا سه‌شنبه ۵ اسفند، دستکم ۵۴ تجمع اعتراضی دانشجویی در دانشگاه‌های سراسر ایران برگزار گردید. این در حالیست که دانشجویان برخی دانشگاه‌ها برای اعتراض در روزهای چهارشنبه ۶ اسفند و شنبه ۹ اسفند نیز فراخوان منتشر کردند.

شنبه ۲ اسفند ۱۴۰۴

*جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، طبق فراخوان اعلام شده، در گرمیداشت یاد جانبختگان دی ماه خونین تجمع و راهپیمایی کردند و شعارهایی علیه حکومت سر دادند. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد نیز با سر دادن شعارهایی همچون «دانشجو داد بزن، حق تو فریاد بزن» و «آزادی، آزادی، آزادی» در محوطه این دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

*دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر در گرمی داشت یاد جانبختگان دی ماه خونین، راهپیمایی کردند. دانشجویان با شعارهایی که دادند حد اکثر فاصله خود از رژیم جنایتکار را نشان دادند و اینکه هرگز سر سازش با حکومتی که به بی‌رحمانه‌ترین شکل معترضان را کشت، ندارند و خواهان سرنگونی رژیم هستند.

*تعدادی از دانشجویان دانشگاه بهشتی به یاد جانبختگان دی ماه خونین در تجمع اعتراضی که بر پا کرده بودند «سرود سوگند» را همخوانی کردند.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۰



«مرگ بر جمهوری اسلامی» سردادند و بر تسلیم ناپذیر بودن و عدم سازش با دیکتاتوری تاکید داشتند.

*دانشجویان دانشگاه آزاد شهر کرد فراخوانی برای تجمع در روز ۹ اسفند، اولین روز بازگشایی دانشگاه ها صادر کردند. در بخشی از آن آمده: «در روزگاری که خبرهای سنگین بر دل‌هایمان سایه انداخته، وظیفه‌ی انسانی و اخلاقی ماست که یاد بی‌گناهان را زنده نگه داریم؛ آنان که قربانی بی‌عدالتی و بی‌رحمی شدند، و رویای‌شان تنها زندگی آرام و آزاد بود...»

*دانشجویان آزاداندیش دانشگاه آزاد علوم تحقیقات در بیانیه ای کشتار دی ماه را محکوم و شرکت در کلاسها را تحریم کرده و از دانشجویان دعوت کردند در روزهای نهم و دهم تجمع اعتراضی برگزار کنند. در بخشی از این بیانیه آمده: «بیش از ۴۰ روز از کشتار ددمنشانه حکومت در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه میگذرد، سکوت و عادی سازی این جنایت، خیانت به میهن و خیانت به خون جاوید نامان وطن است!»

*دانشجویان دانشگاه آزاد تهران واحد تهران مرکز در بیانیه خود از دانشجویان خواستند که در شب ۹ اسفند مقابل ساختمانهای مرکزی دانشگاه نسبت به کشتار دی ماه و عادی سازی توسط حکومت تجمع اعتراضی برگزار کنند. در بخشی از این بیانیه آمده: «ما به دنبال پرتو نور در این تاریکی نیستیم، ما خود نوری هستیم که چشم ظالمان و ستمگران را کور می‌کند و روزنه‌ی امیدی هستیم برای فردایی بهتر، که در آن حفظ کرامت و شأن انسانی اولویت است و آزادی و برابری نه فقط دستوراد، که بنیان حضور فعال ما در جامعه و شکل‌دهی سرنوشتمان است...»

*دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تجمع اعتراضی برگزار کردند و شعارهای «امسال سال خونه، سیدعلی سرتگونه»، «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان» «مرگ بر دیکتاتور»، «کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم» و «هر چه نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه» سر دادند. این تجمع با یورش نیروهای بسیجی همراه بود.

*دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در حمایت از قیام مردم دست به تجمع زدند و شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «بسیجی سپاهی داعش ما شمایی»، «بی‌طرف، بی‌شرفه» و «آزادی، آزادی، آزادی» سر دادند.

*دانشجویان دانشگاه آزاد سوهانک در فراخوانی برای روز ۹ اسفند از دانشجویان خواستند تا به یاد عزیزان از دست رفته مراسمی ترتیب داده و اعتراض خود را نسبت به این کشتار ددمنشانه اعلام کنند. در بخشی از این بیانیه آمده است: «به

پاس خون‌های به ناحق ریخته شده‌ی عزیزانمان و به حرمت اشک‌های مظلومانه‌ی مادران این سرزمین، در پاسخ به ندای بیدار وجدان، در کنار یکدیگر حضور خواهیم یافت و فریاد آزادی سر خواهیم داد!»

*جمعی از دانشجویان آزادی خواه دانشگاه صنعتی اصفهان در تجمعی به کشتار هموطنان اعتراض کردند.

*دانشجویان دانشگاه هنر پردیس باغ ملی در تجمعی اعتراضی نسبت به کشتار در دی ماه اعتراض کرده و شعار می‌دادند: زن زندگی آزادی / زندانی سیاسی آزاد باید گردد / نه توستی نه روسری آزادی و برابری / مرگ بر حکومت اعدا می

*دانشجویان دانشگاه سوره در یک فراخوان، دانشجویان دیگر را برای تجمع و دادخواهی و تداوم راه عزیزی که کشته شده اند در روز سه شنبه ۵ اسفند دعوت کردند.



*دانشجویان دانشگاه شیراز به حق طلبی و تداوم آن و ایستادگی در برابر ناعدالتی و ظلم تاکید کرده و با فراخوانی دانشجویان را به مراسم یادبود جاویدنامان میهن در روز چهارشنبه ۶ اسفند دعوت کردند.

*دانشجویان دانشگاه بهشتی به یاد عزیزی که کشته شده اند، همچنین دانشجویانی که از تحصیل و حضور در دانشگاه محروم شده اند فراخوانی در روز سه شنبه ۵ اسفند صادر کردند.

*دانشجویان ادبیات ایتالیایی مراسم یادبودی در دانشگاه تهران برای رها بهلولی پور برگزار کردند. هم‌زمان با برگزاری این مراسم، گزارشها از فضای امنیتی در اطراف دانشکده زبانها و کوی پسران دانشگاه تهران حکایت دارد. فضا «به شدت امنیتی» توصیف شده است. در این مراسم، دانشجویان شعارهایی از جمله «زن، زندگی، آزادی»، «تا آخوند کفن نشود، این وطن، وطن نشود»، «مرگ بر دیکتاتور»، «هر چه نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه»، «این گل پرپر شده هدیه به میهن شده» و «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» سر دادند.

بقیه در صفحه ۱۲

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۱

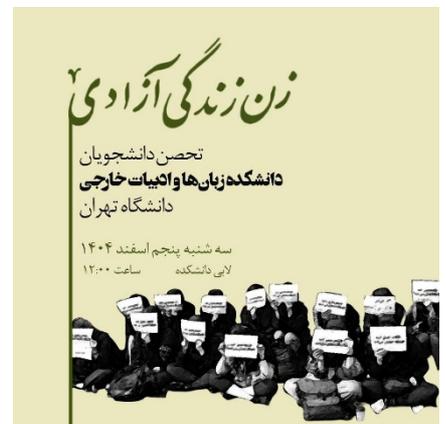


*دانشجویان دانشگاه امیرکبیر (پلی تکنیک) در این دانشگاه پرچم جمهوری اسلامی را آتش زدند و همزمان شعار دادند: «خامنه ای قاتله - حکومتش باطله».

*سندیکی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بیانیه ای در حمایت از اعتراضات سراسری دانشجویان منتشر کردند. در بهشی از این بیانیه آمده: «سندیکی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن اعلام همبستگی با مبارزات دانشجویی علیه سرکوب و برای آزادی و برابری، بر ضرورت پایان دادن به خشونت در دانشگاه‌ها، آزادی دانشجویان بازداشت‌شده و به رسمیت شناختن حق تجمع و بیان مطالبات تأکید می‌کند و خواستار حفظ امنیت و کرامت دانشجویان در محیط‌های آموزشی است.»

*سومین روز تجمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف. این اعتراضات که از شنبه دوم اسفند و همزمان با آغاز ترم جدید تحصیلی آغاز شده، به سرعت به چندین دانشگاه در تهران و دیگر شهرها گسترش یافته است.

*دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس نیز تجمع اعتراضی برگزار کردند.



*فراخوان دانشجویان دانشکده زبان‌های دانشگاه تهران برای تحصن و اعتراض به سرکوب تجمع‌های دانشجویی، برخورد‌های امنیتی با دانشجویان و بازداشت و تهدید آن‌ها، و مجازی کردن دانشگاهها در روز سه شنبه ۵ اسفند.

سه شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴

*دانشجویان دانشگاه تهران در یک بیانیه ضمن محکوم کردن جنایات رژیم، سرکوب دانشجویان و بازداشت شدگان دانشجویی، از دانشجویان دعوت کردند تا در روز چهارشنبه ۶ اسفند تجمع اعتراضی برگزار کرده و صدای دانشجویان کشته شده و بازداشت شده باشند.

در بخشی از این بیانیه آمده: «رژیم بداند: اگر هزار دانشجو را محروم کند، هزار و یکمین دانشجو، دادخواهی را ادامه خواهد داد. دانشگاه پیش‌تر نیز در برابر استبداد ایستاده است، و حافظه تاریخی آن، گورستان مشروعیت مستبدان بوده، هست و خواهد بود...»

*دانشجویان دانشگاه آزاد واحد کرج در یک بیانیه بر لزوم پرسشگری و بیدادگری دانشجو تأکید کرده و دانشجویان آزادیخواه را به تجمع شنبه ۹ اسفند فرا خواندند.



*در ادامه پیگیری مطالبات دانشجویی و در اعتراض به کشتار ۱۸ و ۱۹ دی، دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس برای روز ۶ اسفند فراخوان به تجمع مقابل کتابخانه مرکزی دادند.

*دانشجویان دانشگاه علامه از دانشجویان تمام دانشکده های دانشگاه علامه طباطبایی برای حضور در تجمع اعتراضی با شعار زن، زندگی، آزادی در روز ۸ اسفند دعوت به عمل آوردند.

*دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در سوگ جهانی خاموش بیانیه ای صادر کردند.

در بخشی از این بیانیه آمده: «تحصن ما، تحصنی در سکوت است. ما با پوشش مشکی و در کنار یکدیگر می ایستیم؛ بی‌سخن، اما گویا. سکوت ما زبان اعتراض ماست؛ اعتراضی آرام، خشونت‌پرهیز و مسئولانه در چارچوب حقوق دانشگاهی. ایستادگی که فریاد نمی‌زند، اما شنیده می‌شود. حضوری که بی‌کلام است، اما معنا دارد...»



*دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی در لابی دانشکده با نزدیک به ۱۰۰ دانشجو شروع به تحصن کردند و شعار سردادند. مطالبه‌ی آنها آزادی زندانیان و دانشجویان بازداشتی، توقف احکام انضباطی و پیشگیری از مجازای شدن دانشگاه است.

*دانشجویان دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران در اعتراض به کشتار دی ماه و سرکوب و بازداشت دانشجویان تجمع اعتراضی برپا کردند. دانشجویان شعار می‌دادند: زن زندگی آزادی / دانشجویی زندانی آزاد باید گردد / نه سلطنت نه رهبری، دموکراسی برابری.

دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران با وجود جو سرکوب در دانشگاه تهران و هجوم بی‌شمار بسیجیها به محوطه دانشگاه، به اعتراض ادامه دادند.

*دانشجویان دانشگاه شاندریز مشهد در اعتراض به کشتار دی ماه در محوطه دانشگاه جمعی اعتراضی بر پا کردند. آنها شعار می‌دادند: دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد.

*همزمان با شروع ترم جدید، دانشجویان دانشگاه آزاد تهران شرق فراخوان تجمع اعتراضی در محکومیت کشتار توسط رژیم جمهوری اسلامی در روز ۹ اسفند صادر کردند در بخشی از این بیانیه آمده: «برای پاسداری و یادآوری جان‌های از دست رفته ای که دیگر در میان ما نیستند، کسانی که می‌توانستند کنار ما تحصیل کنند و حالا زیرخاک هستند، گردهم خواهیم آمد تا بگوییم این فقدان درد شخصی نیست.»

*دانشجویان دانشگاه علامه در فراخوانی دانشجویان را دعوت به تجمع اعتراضی در روز ۹ اسفند کردند. در بخشی از این فراخوان آمده: «ما دانشجویان دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی، هم‌صدا با دانشجویان آگاه شریف، امیرکبیر و ... بنا داریم برای قهرمانان شجاع این خاک سرخ مراسمی بگیریم تا به همگان یادآوری کنیم: نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم»

*دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به کشتار وحشیانه رژیم تجمع اعتراضی برگزار کردند، آنها شعار می‌دادند: تا آخوند کفن نشود، این وطن وطن نشود/ دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد

*دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در یک بیانیه از دانشجویان و اساتید دعوت کردند در تحریم کلاسهای مجازی همکاری کنند. در بخشی از آن آمده: «از دیگر اساتید محترم نیز درخواست می‌شود، فارغ از هرگونه گرایش فکری یا ایدئولوژیک، با دانشجویان هم‌پیمان شده و از برگزاری کلاسهای مجازی خودداری کنید؛ چرا که آموزش مجازی همراه با اخذ شهریهٔ کامل، آن هم در رشته‌ها و واحدهای عملی، مصداق تضییع حقوق اولیهٔ دانشجو است.»

*دانشجویان دانشگاه پارس در حمایت از اعتراضات مردمی و آزادی استادان در بند، فراخوان تجمعی برای روز چهارشنبه ۶ اسفند صادر کردند.

دانشجویان دانشگاه رازی و دانشگاه صنعتی کرمانشاه در بیانیه ای حمایت خود را از عدم حضور در کلاسهای مجازی اعلام کرده و از همکلاسیهای خود دعوت کردند به آنها پیوندند.



دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

*دانشجویان دانشگاههای پرستاری، مامایی و داروسازی دانشگاه بهشتی (ملی سابق) در تداوم مبارزه با ظلم و جنایت رژیم اسلامی، در فراخوانی دانشجویان را به تجمع اعتراضی در روز چهارشنبه ۶ اسفند دعوت کردند.

*دانشجویان دانشگاه بهشتی با فراخوان قبلی تجمع کرده و شعار می دادند: «بسیجی، سپاهی، داعش ما شمایی». این شعار به خوبی نشان دهنده شکاف بین مردم و حکومت است. این تجمع با درگیری دانشجویان دانشگاه بهشتی مقابل دانشکده اقتصاد با بسیجیانی که به گفته دانشجویان، از خارج از محوطه دانشگاه و با همراهی حراست برای مقابله با دانشجویان وارد دانشگاه شده بودند، همراه بود.

*دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در حمایت از اعتراضات مردمی در دی ماه و محکومیت کشتار توسط رژیم جمهوری اسلامی تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع با یورش نیروهای شبه نظامی بسیج و لباس شخصی‌هایی از خارج دانشگاه با قمه، چماق، باتون، و شوکر برقی همراه بود.

*دانشجویان دانشگاه سوره با تجمع همصدا شعار می دادند: «ما تماشاگر نمی‌خواهیم به ما ملحق شوید»، «قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان»، «بسیجی سپاهی داعش ما شمایی»، «آزادی، آزادی، آزادی» و «نترسید نترسید ما همه با هم هستیم»

چهارشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۴

*دانشجویان دانشگاه هنر ایران دست به تجمع اعتراضی زدند. دانشجویان شعرهای «مرگ بر دیکتاتور»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «بترسید بترسید ما همه با هم هستیم» و «این گل پرپر شده هدیه به میهن شده» سر دادند. *دانشجویان دانشگاه آزاد تهران شمال در فراخوانی با تاکید بر اینکه به عنوان وجدان بیدار جامعه نمی‌توانند نسبت به جنایات و کشتار در جامعه بی‌تفاوت باشند، تمامی دانشجویان را در روز شنبه ۹ اسفند برای پاسداشت کرامت انسانهای که قربانی شده‌اند، به تجمع دعوت کردند.

*دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکزی واحد سوهانک در بیانیه‌ای تاکید کردند که راه دانشجویهای شریف و آزاده دانشگاه شریف و امیرکبیر را ادامه خواهند داد و در روز شنبه ۹ اسفند تجمع اعتراضی برگزار خواهند کرد.



*دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در اعتراض به ظلم و کشتار دی ماه توسط جمهوری اسلامی و تحریم کلاسهای مجازی، در دانشگاه تحصن کردند.

*دانشجویان رشته روانشناسی دانشگاه شیراز در بیانیه‌ای کلاسهای مجازی را تحریم کردند. در بخشی از این بیانیه آمده: «...ما، دانشجویان روانشناسی دانشگاه شیراز، در هنگامی که سایه سنگین غم و تروما بر فضای جامعه گسترده است، اعلام می‌داریم؛ توان روانی و اخلاق لازم برای حضور در کلاسهای درس را نداریم...»

*دانشجویان دانشگاه صنعتی ارومیه در بیانیه‌ای ضمن ابراز تاسف نسبت به وقایع اخیر و کشتار در دی ماه، سکوت در برابر خونهای ریخته شده را جایز ندانسته و تا آزادی دانشجویان زندانی و توقف پرونده‌سازی، کلاس‌های مجازی را تحریم کردند.

*دانشجویان دانشگاه آزاد سندج در بیانیه‌ای شرکت در کلاسهای مجازی را تحریم کردند، در بخشی از این بیانیه آمده: «... بنابراین ما در برابر این خشونت و سرکوب می‌ایستیم و اعلام می‌داریم که سیاست موجود، یعنی مجازی‌سازی کلاسهای دانشگاه، نمی‌تواند صدای ما و همبستگی مان را در هم بشکند. ما معتقدیم سکوت و بی‌تفاوتی در چنین شرایطی، فضا را برای سرکوب و خشونت بازتر می‌کند...»

*جمعی از انجمنهای علمی دانشگاه کردستان در حمایت از دانشجویان سراسر کشور در مطالبه عدالت و آزادی بیان، بیانیه‌ای در تحریم کلاسهای مجازی صادر کردند. در بخشی از آن آمده: «...در چارچوب مسئولیت‌پذیری صنفی و دانشگاهی، اعلام می‌کنیم تا زمان عادی‌سازی شرایط آموزشی، از حضور در کلاسهای مجازی خودداری خواهیم کرد. این اقدام، شکلی از اعتراض مدنی و مسالمت‌آمیز در دفاع از شأن دانشگاه و کرامت دانشجویانست...»

*دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی در بیانیه‌ای اعلام: «ما دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، اعلام می‌کنیم که به صورت جمعی در کلاسهای مجازی شرکت نخواهیم کرد و تصمیم‌گیرندگان را ملزم می‌دانیم که تصمیمات مربوط به تخلیه‌ی خوابگاهها را نیز مورد بازنگری قرار دهند...»

*دانشجویان دانشگاه آزاد کرمان بیانیه‌ای در مورد تحریم کلاس‌های مجازی صادر کردند که در بخشی از آن آمده است: «... ما خود را جدا از مردم نمی‌دانیم. رنج آنان رنج ماست و اندوه این روزها بر دل دانشگاه و دانشجویان نیز نشسته است. مجازی شدن کلاسها صدای ما را خاموش نمی‌کند...»

*دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران بیانیه‌ای در محکومیت سرکوب و دفاع از حرمت دانشگاه و مجازی شدن کلاس‌ها صادر کردند، بخشهایی از آن را می‌خوانید: «کشته‌شدن هم وطنان و هم‌نسلان ما زخمی بر وجدان جمعی ماست. عدالت باید شفاف، مستقل و بی‌پرده اجرا شود و مسئولان این خشونت‌ها پاسخگو باشند. انکار و تهدید، جای عدالت را نمی‌گیرد. مجازی‌سازی تحمیلی کلاسها و تعطیلیهای ناگهانی، اقدامی برای پراکندن دانشجویان و تضعیف همبستگی دانشگاهی است. دانشگاه پادگان نیست؛ دانشجو مجرم نیست؛ اعتراض جرم نیست...»

*دانشجویان دانشگاه خوارزمی در پی مجازی شدن کلاسهای درس برای دومین روز در صحن این دانشگاه تحصن کردند. دانشجویان در گرمی‌داشت یاد جاویدنام ساغر سیف الهی، دانش آموخته دانشگاه خوارزمی، شعرهای «قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان»، «اگر مجازی بشه، شعارا تندتر می‌شه» و «آزادی، آزادی، آزادی» سر دادند. در جریان

این تجمع، عوامل حراست و بسیجی‌ها حضور داشته و قصد متفرق شدن دانشجویان را داشتند.

*دانشجویان دانشگاه خیام در بیانیه‌ای به کشتار دی ماه موضع گرفته و سکوت را خیانتی به نسل آگاه فردا می‌دانند. در ادامه فراخوان تجمع اعتراضی در روز شنبه ۹ اسفند صادر کرده است.

*۳۶ تشکل دانشجویی در واکنش به مجازی شدن دانشگاه بیانیه‌ای منتشر کردند. دانشجویان تصمیمات اخیر هیات رئیسه دانشگاه علامه را در تعارض آشکار با خواست و منافع دانشجویان ارزیابی می‌کند و در نتیجه در کلاسهای مجازی شرکت نخواهند کرد. در بخشی از این بیانیه آمده: «...هیات‌رئیس در اطلاعیه شماره‌ی ۲، به بهانه‌ی «درخواست دانشجویان»، آغاز نیمسال تحصیلی جدید را به ۹ اسفند موکول کرده بود. اکنون، در حالی که تنها دو روز تا شروع کلاسها باقی مانده بود، با دلایلی مبهم و ناموجه، بازگشایی دانشگاه را به پس از تعطیلات نوروز وعده داده است...»

*دانشجویان دانشگاه میبد در بیانیه‌ای ضمن همدردی با جان باختگان راه آزادی و عدالت عدم حضور خود در کلاسها را تا زمانی که دانشجویان به دلیل مطالبه حقوق اولیه و انسانی خود با سرکوب، زندان، تهدید و محدودیت روبه‌رو هستند، اعلام می‌کند.

پنجشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۴

*مراسم چهلیم جاوید نام مهران تاجداری با شعارهای «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان» و «این گل پرپر شده، هدیه به میهن شده» در بهشت زهرا برگزار شد. این مراسم با پخش ترانه «دل دیگه تنگ بونه» و همراهی حاضران همراه شد. جاویدنام مهران تاجداری، دانشجوی ۲۵ ساله‌ای بود که ۱۹ دی ماه توسط نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی مجروح شد و پس از یک هفته در کما، جانباخت.



مهران تاجداری

*مراسم چهلیم جاوید نام احمدرضا قادری، دانشجوی مهندسی ساخت و تولید دانشگاه نوشیروانی بابل، برگزار شد. دانشجویان دانشگاه نوشیروانی برای این دانشجوی کشته‌شده نوشتند: «امروز صندلیهای دانشگاه ما خالیست اما خالی بودن یک صندلی در میان بقیه معنای دیگری دارد. احمدرضا در میان ما نیست اما ما دانشجویان دانشگاه نوشیروانی به خون به ناحق ریخته جاوید نام‌نام قسم می‌خوریم یاد او را همیشه و به هر طریقی که بتوانیم زنده نگه می‌داریم. با حضوری شدن دوباره دانشگاه مانند امروز در کنار دیگر دانشگاهها به مبارزه می‌ایستیم و جای جای دانشگاه را پر از نام و یاد جاویدنام‌هایمان می‌کنیم که نام آن‌ها، رمز ادامه راه

بقیه در صفحه ۱۴

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۳

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۴۳ تن از زندانیان اعدام شده از اول تا پایان اسفند ۱۴۰۴

خبرهایی از اعتراض در زندان

بامداد روز چهارشنبه ۲۷ اسفندماه، در پی اعتراض زندانیان زندان چابهار به قطع جیره غذایی و شرایط نامناسب نگهداری، درگیری میان زندانیان و نیروهای اعزامی یگان ویژه به وقوع پیوست که در نتیجه آن بیش از ده زندانی مجروح شدند. (هرانا)

شنبه ۲ اسفند: مهرداد قائنی در قم ۱ نفر

یکشنبه ۳ اسفند: علی صفا دوستداری در نوشهر، حبیب احمدی در قزوین، سجاد (محمدجواد) معصومی در اردبیل، حبیب رسول زاده در سمنان، رحیم خونیگر در بروجرد، طاهار روشنی در نایین، پژمان منصوری نصب در اراک، نعمت عمادآبادی در بندرعباس، محمد سخت کوش در تبریز، نیما کرمی در قم و محمد جواد گلزاری در سمنان ۱۱ نفر

دوشنبه ۴ اسفند: سهیلا اسدی در اصفهان، ایلیا ساعی در گرگان، نوید شهسوار در قائمشهر، علی صفر گودرزی در دورود، سامان جوزی در اصفهان، یعقوب شفیعی‌زاده در نیشابور، حشمت شکری در کرمان، سلطان مراد شعبانی در کاشان، کیوان امین‌پور در ساوه، سیاوش عموزاد در قوچان و روزبه زمانی در زنجان ۱۱ نفر

سه شنبه ۵ اسفند: سنجر نوری‌زاده در بم، سهیل بختیاری در برازجان، محمود کاشفی در ایلام، حیدر الماسی در خواف، مسعود عیسوند در اهواز، سعید سرگزی در جیرفت، مظفر کریمی در سیرجان، رستم زینعلی، نقی فیضی، بهنام جهانی در رشت، فرج الله همتی در بیرجند و یارمرد منتی در یزد ۱۲ نفر

چهارشنبه ۶ بهمن: حسن خلیلی در گرگان، سینا شمس‌اللهی و احمد شمس‌اللهی در قزوین ۳ نفر

پنجشنبه ۷ اسفند: رضا آذرنگ در بهبهان، احمد علی جمشیدی در فردوس و ناصر مظلوم در ساری ۳ نفر

چهارشنبه ۲۷ اسفند: کوروش کیوانی ۱ نفر



پنجشنبه ۲۸ اسفند: مهدی قاسمی، صالح محمدی و سعید داودی از بازداشت شدگان خیزش دی ماه. جاوید نام صالح محمدی مدال آور و عضو تیم ملی کشتی بود. ۴ نفر



پیروزیست. اما در این زمان همه ما با انتشار این ویدیو در فضای مجازی نشان می‌دهیم که دانشجویان دانشگاه نوشیروانی با اتحاد خود که آن را در گذشته ثابت کرده‌اند در کنار خانواده قادری ایستاده‌اند.»

*دانشجویان علوم طبیعی دانشگاه تبریز در بیانیه ای کلاسهای مجازی را تحریم کردند. بخشی از این بیانیه را می

خوانیم: «سکوت در برابر حذف بازتولید بی‌عدالتی است. از این رو اعلام می‌کنیم تا زمانی که مسئولیت‌پذیری، عدالت و شفافیت به محیط دانشگاه بازننگردد، در روند تحصیلی آموزشی و اجرایی، من جمله کلاسهای مجازی، شرکت نخواهیم کرد.»

*دانشجویان دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز در بیانیه ای سکوت در برابر بی‌عدالتی و کشتار دی ماه را آزمون برای وجدانهای بیدار می‌انگازند و تشکیل کلاسهای مجازی را عادی سازی بی‌عدالتی. در بخشی از این بیانیه آمده: «مطالبه ما صریح، روشن و غیرقابل تفسیر است: آزادی فوری و بی‌قید و شرط مهتاب صالحی و تمامی دانشجویان بازداشتی. تا زمان تحقق این مطالبه، در کلاسهای مجازی شرکت نخواهیم کرد و این روند را به‌صورت رسمی تحریم می‌کنیم...»

*دانشجویان مهندسی مکانیک دانشگاه ارومیه در بیانیه ای اعلام کردند: «ما، جمعی از دانشجویان مهندسی مکانیک دانشگاه ارومیه، در برابر تصمیم تحمیل آموزش مجازی و استمرار آن، سکوت را جایز نمی‌دانیم و بدین‌وسیله اعلام می‌کنیم تا تحقق شرایط عادلانه و برابر آموزشی، کلاسهای مجازی را تحریم خواهیم کرد...»

*دانشجویان حسابداری دانشگاه صنعتی شاهرود در بیانیه ای به نشانه اعتراض به ظلم، سرکوب و بی‌عدالتی نسبت به هموطنان کلاسهای مجازی را تحریم کردند. بخشی از این بیانیه: «...آموختن در فضایی که حرمت انسان شکسته شده و خون بی‌گناهان در آن پایمال میگردد را بیهوده می‌دانیم و برای ایستادن در جبهه حق قلم‌ها را زمین نهاده و کلاسهای مجازی را تا رسیدن به سپیده دم عدالت به سردی اعتصاب می‌سپاریم...»

باوجود تلاشهای حراست برای پراکنده کردن جمعیت، دانشجویان تجمع اعتراضی برگزار کردند. دانشجویان شعار می‌دادند: قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان / مرگ بر دیکتاتور / زندانی سیاسی، آزاد باید گردد.

بیانیه حمایتی اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان

روز چهارشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۴، دانشجویان دمکرات کردستان بیانیه ای در حمایت از اعتراضات دانشجویان صادر کرد که بخش هایی از آن را می‌خوانید: «...امروز ایران در آستانه‌ی تغییری بنیادین قرار دارد و نارضایتی مردم و دانشجویان همچنان ادامه دارد. جمهوری اسلامی علی‌رغم اینکه صدای اعتراضی مردم را با گلوله و رگبار جواب داده، اما نتوانسته صدای گلوله را بر ندای آزادی‌خواهی مسلط کند... باید شعاری که مرزبندی مشخصی با هر خواست غیردمکراتیک دارند را با بانگی رساتر به گوش همگان برسائیم، شعاری همچون: «ن‌ه سلطنت ن‌ه رهبری، دمکراسی برابری»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»، «مرگ بر دیکتاتوری» و... تفاوتها را با انحصارطلبان رقم خواهند زد و باید تمامی تجمعات اعتراضی به این شعارها آراسته شوند...»

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: تلگرام آموزشکده توانا، تلگرام دانشجویان پیشرو، خبرنگار خواجه نصیر، تلگرام گروه اتحاد بازنستگان، هرانا)

زنان در مسیر رهایی (اسفند ۱۴۰۴)

اسد طاهری

روز جهانی رفع خشونت علیه زنان

از سال ۱۹۹۹ و با اعلام سازمان ملل متحد درباره روز جهانی رفع خشونت علیه زنان تمرکز اصلی بیشتر بر خشونت در نهاد خانواده هرچا و هرگاه صحبتی از خشونت علیه زنان گفته می‌شود نهایتاً اشاره به پدیده «زن‌کشی» یا «فمسیاید» (Femicide) قرار گرفته است. اما خشونت علیه زنان تنها به این عرصه محدود نیست؛ تجاوز و خشونت در جنگ‌ها، سرکوب و شکنجه زنان سیاسی، و خشونت علیه زنان در محیط‌های کار نیز بخشی از همان واقعیت تلخ است که اغلب در آمارها نادیده گرفته می‌شود. بر اساس گزارش‌های اخیر سازمان ملل، در سال ۲۰۲۳ به طور متوسط هر ده دقیقه یک زن در جهان به قتل رسیده است. با این حال خود این گزارش‌ها نیز تأکید می‌کنند که آمار واقعی بسیار بالاتر است؛ زیرا بسیاری از موارد ثبت نمی‌شوند و در برخی کشورها اساساً داده‌ای منتشر نمی‌شود. با همه محدودیت‌ها، دستاورد مهم مبارزات زنان این بوده است که زن‌کشی و خشونت علیه زنان در بسیاری از جوامع به عنوان پدیده‌ای محکوم و ناهنجار شناخته شده و دولت‌ها را ناچار کرده است دست‌کم در سطح قانون‌گذاری واکنش نشان دهند. حتی چنین چارچوب‌های محدود حقوقی نیز می‌تواند تا حدی مانع از تکرار این فجایع شود.

زنان خاورمیانه در جبهه نبرد با ارتجاع و نیروهای

اسلام‌گرا

مبارزات زنان خاورمیانه امروزه به یکی از مهم‌ترین جبهه‌های نبرد با ارتجاع و نیروهای اسلام‌گرا در منطقه تبدیل شده است. مقاومت زنان نه تنها الهام‌بخش جنبش‌های آزادی‌خواهانه است، بلکه به گسترش و تقویت مبارزات زنان در سراسر منطقه نیز یاری رسانده است.

مبارزات زنان ایران در دهه‌های گذشته نمونه‌ای برجسته از این روند است؛ مبارزاتی که هم ماهیت زن‌ستیز و سرکوبگر حکومت دینی را در برابر افکار عمومی جهان آشکار کرده و هم اراده و جسارت زنان در ایستادگی در برابر آن را نشان داده است.

شعار «زن، زندگی، آزادی» که در خیزش ۱۴۰۱ در سراسر ایران طنین انداخت، ریشه در مبارزات زنان کرد در روزاوا داشت. این شعار به عنوان آلترناتیوی مترقی در برابر پدرسالاری، سرکوب و استبداد مطرح شد و با گسترش مبارزات زنان ایران، به شعاری جهانی تبدیل گشت.

تجربه منطقه نشان می‌دهد که پیروزی پایدار مبارزات زنان در خاورمیانه در گرو پیوند آن با مبارزات کارگران و نیروهای مترقی جامعه است؛ پیوندی که می‌تواند در برابر حکومت‌هایی چون جمهوری اسلامی، طالبان و گروه‌های ارتجاعی مانند القاعده، حماس، داعش و حزب‌الله نیرویی تعیین‌کننده بسازد.

مبارزه زنان در خاورمیانه تنها یک مبارزه جنسیتی نیست؛ بخشی از نبرد بزرگ‌تر برای آزادی، برابری و رهایی از ارتجاع است.

بقیه در صفحه ۱۶

بخش‌های حکومت خواست که در این زمینه به «وظایف قانونی و شرعی» خود عمل کنند.

رژیم ارتجاعی و زن‌ستیز جمهوری اسلامی در تمام چهل‌وهفت سال حیات خود، حتی یک روز را بدون سرکوب و تبعیض علیه زنان سپری نکرده است. پس از خیزش انقلابی «زن، زندگی، آزادی»، این سرکوب به جنگی علنی و همه‌جانبه علیه زنان تبدیل شده است.

از نخستین روزهای استقرار جمهوری اسلامی، تبعیض و سرکوب زنان به سیاستی سازمان‌یافته و دائمی تبدیل شد. این حکومت با مجموعه‌ای از قوانین ارتجاعی و با اتکا به دستگاه گسترده سرکوب، کوشیده است زنان را از عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کنار بزند و همزمان با دخالت روزافزون در زندگی خصوصی آنان، ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های فردی‌شان را محدود کند.

نمونه این سیاست‌ها، معاون وزارت بهداشت جمهوری اسلامی بود که با برداشتن محدودیت سن بارداری، سنین ۱۵ تا ۴۹ سالگی را «مناسب» برای بارداری اعلام کرده است. در نظامی که «زواج» دختران در سنین بسیار پایین مجاز شمرده می‌شود، چنین سیاستی عملاً به معنای مشروعیت‌بخشی به بارداری کودکان و تداوم پدیده موسوم به «کودک‌همسری» است.

جنبش زنان در سال ۱۴۰۴

در سال ۱۴۰۴، جنبش زنان ایران وارد مرحله‌ای کیفی تازه‌ای شد. مبارزه دیگر صرفاً به تظاهرات خیابانی محدود نماند، بلکه به سطح زندگی روزمره نفوذ کرد. کنار گذاشتن حجاب اجباری، ایستادگی در محیط‌های کاری و دانشگاهی، و بازتعریف هنجارهای اجتماعی به شکل گسترده، نافرمانی مدنی را از یک کنش استثنایی به یک «رویه پایدار مقاومت» بدل ساخت.

این دگرگونی تاکتیکی، نشانه بلوغ جنبش است. تجربه دهه‌های گذشته نشان داده که اعتراضات مقطعی، هرچند انفجاری و پر قدرت، در صورت فقدان تداوم اجتماعی، به‌راحتی مهار یا فرسوده می‌شوند. اما زمانی که مقاومت در بدن، پوشش، حضور اجتماعی و روابط روزمره نهادینه می‌شود، سرکوب دیگر با یک دشمن متمرکز روبه‌رو نیست، بلکه با جامعه‌ای مواجه است که به‌طور پراکنده اما همزمان، نظم تحمیلی را نقض می‌کند.

از این منظر، جنبش زنان در ۱۴۰۴ وارد فاز «فرسایش هژمونی» شد. حاکمیت می‌تواند تجمعات را متفرق کند، اما قادر نبود میلیون‌ها رفتار نافرمان، انتخاب فردی آگاهانه و کنش‌های کوچک اما پیوسته را کنترل نماید. این همان نقطه‌ای است که اقتدار ایدئولوژیک از درون ترک برمی‌دارد.

اهمیت و پیوند روزافزون مبارزه جنسیتی با تضادهای طبقاتی بود. حضور فعال زنان در محیط‌های کار، آموزش و خدمات عمومی نشان داد که مسئله آزادی زنان از ساختار اقتصادی و مناسبات استثمار جدا نیست. زن کارگر، معلم، پرستار و دانشجو همزمان علیه تبعیض جنسیتی و فشار معیشتی می‌جنگد. این هم‌آهنگی جنبش زنان را از یک اعتراض صرفاً فرهنگی به بخشی از مبارزه اجتماعی علیه نظم نابرابر حاکم تبدیل کرد.

هشت مارس؛ روز مبارزه علیه ستم، سرمایه‌داری و مردسالاری



هشت مارس، روز جهانی زن، روز بزرگداشت تاریخی از مبارزه زنان کارگر و زحمتکش علیه ستم، تبعیض و استثمار است. این روز تنها یادآور مطالبات برابری خواهانه زنان نیست، بلکه نماد مبارزه‌ای گسترده تر علیه ساختارهایی است که نابرابری و بی‌عدالتی را در جامعه بازتولید می‌کنند.

هشت مارس (۱۷ اسفند)، روز جهانی زن؛ روزی که در سراسر جهان یادآور مبارزه زنان علیه ستم، تبعیض و نابرابری است. امسال این روز در شرایطی فرا رسید که مردم ایران و منطقه در میان آتش جنگ، ناامنی و بحران‌های عمیق سیاسی و اجتماعی قرار دارند.

در ایران، زن‌ستیزی و تبعیض علیه زنان از نخستین روزهای استقرار جمهوری اسلامی به یکی از ستون‌های اصلی این نظام تبدیل شد. حاکمیتی که با تحمیل حجاب اجباری، حذف زنان از عرصه‌های قدرت، و اعمال قوانین تبعیض‌آمیز، کوشید نبی از جامعه را به حاشیه براند و صدای آنان را خاموش کند. اما زنان ایران هرگز تسلیم نشدند.

از اعتراضات زنان در اسفند ۱۳۵۷ تا مبارزات گسترده در دهه‌های بعد، و سرانجام در خیزش تاریخی «زن، زندگی، آزادی»، زنان به پیشگامان مبارزه برای آزادی و کرامت انسانی بدل شدند. این خیزش نشان داد که مبارزه زنان تنها برای حقوق زنان نیست، بلکه برای رهایی کل جامعه از استبداد و ستم است.

خامنه‌ای، با طرح دوباره مساله حجاب، آن را «چالشی تحمیلی بر کشور» نامید و مدعی شد که این موضوع باید از دو جنبه «شرعی» و «قانونی» مورد بررسی قرار گیرد. به گفته او، حجاب «حکم مسلم شرعی» بوده است و زنان باید بدن خود را به‌جز صورت و دو دست بپوشانند. او همچنین با تکیه بر قوانین موجود، اطاعت از این مقررات را برای همه، حتی کسانی که به مبانی شرعی باور ندارند، الزامی دانست.

اما این سخنان در شرایطی بیان شد که جامعه ایران، به‌ویژه پس از خیزش سراسری سال ۱۴۰۱، شاهد گسترش بی‌سابقه مقاومت زنان علیه حجاب اجباری بوده است. با وجود این واقعیت اجتماعی، خامنه‌ای فاسد بار دیگر با انکار اراده و کنش مستقل زنان، ادعا کرد که مخالفت با حجاب «از خارج کشور هدایت و طراحی شده» و حتی مدعی شد افرادی «استخدام شده‌اند» تا در جامعه «هنجار شکنی» کنند.

معنای واقعی این ادعاها چیزی جز توجیه سرکوب بیشتر نبود. تکرار چنین اتهاماتی در عمل چراغ سبزی به نهادهای امنیتی و قضایی برای تشدید فشار بر زنان و جامعه بود. او (خامنه‌ای، فاسد) نیز در پایان سخنان خود صراحتاً از قوه قضاییه و دیگر

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۵

زنان در صف اول قربانیان نظامهای اقتصادی



در جهان امروز، زنان همچنان در صف اول قربانیان نظامهای اقتصادی و سیاسی نابرابر قرار دارند. بحرانهای عمیق اقتصادی، گسترش جنگها، رشد نیروهای ارتجاعی و بنیادگرایانه و سیاستهای تبعیض آمیز، همگی فشار مضاعفی بر زندگی زنان وارد کردهاند. همانگونه که آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد هشدار داده است، در بسیاری از نقاط جهان «ساعت حقوق زنان به عقب بازگردانده می شود». اما تاریخ مبارزات اجتماعی نشان داده است که هرگاه نیروهای سرکوبگر تلاش کردهاند صدای زنان را خاموش کنند، مقاومت گسترده تری شکل گرفته است. از اعتصابهای زنان کارگر در کارخانهها تا حضور گسترده آنان در جنبشهای اجتماعی و آزادیخواهانه، زنان همواره نقشی تعیین کننده در پیشبرد مبارزه برای عدالت داشتهاند.

امروز در روز جهانی زن، ما یاد همه زنانی را گرمای می‌داریم که در این مسیر سرکوب شدند، زندان رفتند یا جان خود را از دست دادند. آنان نماد شجاعت و مقاومت‌اند و نامشان در حافظه مبارزاتی مردم ایران زنده خواهد ماند. هشت مارس در ایران تنها یک مناسبت نمادین نیست؛ بلکه یادآور نبردی تاریخی است که هنوز ادامه دارد. زنان و مردان آزادی‌خواه ایران نشان داده‌اند که در برابر تبعیض و سرکوب سکوت نخواهند کرد.

مناطق کردنشین، زنان در سالهای اخیر به یکی از نیروهای پیشرو در مبارزه علیه استبداد، تبعیض جنسیتی و سرکوب اجتماعی تبدیل شده‌اند. شعار «زن، زندگی، آزادی» که از دل مبارزات زنان کرد سوریه به عنوان آلترناتیوی مترقی در برابر «پدرسالاری» سرکوب و استبداد مطرح شد، هرچند آن زمان این شعار در مناطق کردنشین سوریه محدود ماند و به سطح سراسری در این کشور نرسید، اما در ایران، به پاس مبارزات گسترده، شجاعانه و جسورانه زنان از کردستان تا تهران و بلوچستان تا آذربایجان، به یک شعار سراسری تبدیل شد و هم در سطح جهانی شناخته شد. زنان ایرانی با اقدام عملی به آتش کشیدن حجاب اجباری، اراده خود برای آزادی و برابری را به نمایش گذاشتند.



تظاهرات هشت مارس در جهان

در ۸ مارس ۲۰۲۶ (روز جهانی زن) در بسیاری از شهرهای جهان تظاهرات گسترده‌ای برگزار شد. این تجمعها فقط درباره حقوق زنان نبود، بلکه در بسیاری از کشورها با اعتراض به جنگ، خشونت و نابرابری اجتماعی نیز همراه شد. در ادامه مهم‌ترین مواردی که در گزارش‌های خبری آمده را خلاصه می‌کنم:

در روز یکشنبه ۸ مارس ۲۰۲۶، فعالان و معترضان در شهرهای مختلف جهان همزمان با روز جهانی زن در تجمعها و راهپیمایی‌های گسترده‌ای حضور یافتند تا خواستار برابری حقوق زنان، پایان تبعیض جنسیتی، عدالت اجتماعی و صلح جهانی شوند.

در چندین کشور از جمله اسپانیا، فرانسه، برزیل، شیلی، یونان، ایتالیا، ترکیه، شیلی، افغانستان و اوکراین هزاران نفر در خیابانها گرد آمدند و در راهپیمایی‌ها شرکت کردند. معترضان در این تجمعها علاوه بر خواسته‌های سنتی حقوق زنان، بر دفاع از صلح، مخالفت با جنگ، محکومیت خشونت جنسی و نفی تبعیض اجتماعی تأکید کردند. در برخی شهرها، شرکت‌کنندگان همچنین خواستار پایان مداخلات نظامی و بحرانهای منطقه‌ای شدند. گزارش‌ها همچنین حاکی است که در بسیاری از این تجمعها، نه تنها زنان، بلکه مردان و سایر گروههای اجتماعی نیز حضور داشتند و پیامهای خود را در حمایت از برابری، عدالت و پایان تبعیض جنسی مطرح کردند.



هزاران نفر در اسپانیا علیه خشونت با زنان و جنگ تظاهرات کردند. در شهرهایی مانند مادرید و بارسلونا دهها هزار نفر در راهپیمایی شرکت کردند. شعارها درباره برابری جنسیتی، مقابله با خشونت علیه زنان و صلح بود. برخی معترضان همچنین خواستار پایان جنگها در خاورمیانه شدند.

تظاهرات روز جهانی زن در اسپانیا امسال افزون بر موضوع حقوق زنان، به صحنه اعتراض به جنگ در خاورمیانه نیز تبدیل شد و شماری از مقامهای سیاسی این کشور نیز در این مورد موضع‌گیری کردند.

روز جهانی زن؛ «نه به جنگ» و «نه به فقر» از شعارهای برجسته فعالان فمینیست در پاریس



به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن دهها هزار نفر در پاریس برای «دفاع از برابری زنان و مبارزه با خشونت‌های مبتنی بر جنسیت» به خیابان آمدند. زمینه مشترک تظاهرات امسال «حقوق، برابری، کنش؛ برای تمامی زنان و دختران» تعیین شده بود که به ضرورت دسترسی منصفانه به عدالت، حمایت واقعی از حقوق بنیادین، و اقدامات واقعی برای همه بدون هیچ‌گونه استثنا اشاره داشت.

با فراخوان سندیکاها به اعتصاب فمینیستی «در کار، در امور خانه‌داری، و در مصرف»، تظاهرات امسال همچنین توجه ویژه‌ای به فقر زنان در بازار کار و همچنین نابرابری دستمزد میان زنان و مردان نشان داد: «زنان ۶۲ درصد افرادی‌اند که حداقل حقوق را دریافت می‌کنند و ۷۰ درصد از کسانی‌اند که به دریافت کمک‌های غذایی نیاز دارند.»

با این حال تظاهرات امسال تحت‌تاثیر حمله اخیر اسرائیل و ایالات متحده آمریکا به ایران قرار داشت و گروههای فمینیستی، احزاب و سندیکاها حاضر در تظاهرات با شعارها، پلاکاردها و باندرول‌های خود به جنگ واکنش نشان دادند. در همبستگی با ایرانیان، سرود «سوگند» در ابتدای تظاهرات با همکاری گروههای مختلف ایرانی و غیرایرانی خوانده شد که ابتکاری بود از سوی گروه سرود بین‌المللی «انتر کورال» که هر سال برای اجرای سرودهای انقلابی کشورهای مختلف تلاش می‌کند و امسال سرودی به زبان فارسی را به برنامه اجرای خود اضافه کرده بودند.

پیش از شروع تظاهرات، گروههای مختلف در میدانی جمع شدند و فعالان زنان از کشورهای مختلف سخنرانی کردند. از جمله فعالانی از کردستان که دهه‌ها فعالیت زنان کرد برای دست‌یابی به برابری را برجسته کردند و فعالانی از ایالات متحده آمریکا که ضمن تأکید بر آسیب‌های ممنوعیت سقط‌جنین برای زنان در آمریکا، مخالفت خود را با حمله کشورشان به ایران اعلام کردند. از سوی دیگر فعالان زنان از کشور اوکراین هم تلاش‌های سندیکایی زنان اوکراین را در زمان جنگ تشریح کردند.

در سانتیاگو و دیگر شهرها تظاهرات علیه تبعیض جنسیتی و سیاستهای محافظه‌کارانه برگزار شد. در بسیاری از کشورهای منطقه، جنبش‌های فمینیستی نقش مهمی در سازماندهی این تجمعها داشتند.



روز همبستگی زنان جهان، به ابتکار انجمن فرهنگی سخن و انجمن رفاه و همبستگی در شهر استانبول برگزار گردید. این برنامه با حضور جمعی از بانوان فعال فرهنگی، اجتماعی و دوستداران فرهنگ و ادب برگزار شد.

برنامه با گرداندگی خانم اورانوس مصمم آغاز گردید. در بخش نخست، خانم نیلا مصلح فعال حقوق زن، درباره اهمیت روز جهانی زن و وضعیت زنان سخنرانی نمود و بر نقش آگاهی، همبستگی و تلاش‌های مشترک برای بهبود وضعیت زنان تأکید کرد.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۶



با گذشت نزدیک به پنج سال از بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان، دختران بالاتر از صف ششم همچنان از آموزش محروم‌اند و دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها به روی آنان بسته مانده است. همزمان بسیاری از زنان نیز از کار در ادارها و نهادهای مختلف محروم شده‌اند.

به مناسبت این روز شماری از فعالان، مقام‌های پیشین و جنبش‌های اعتراضی با نشر پیام‌هایی درباره وضعیت زنان افغانستان ابراز نگرانی کرده و بر ضرورت توجه جدی جامعه جهانی به حقوق زنان در این کشور تأکید کرده‌اند.



موضوعات اصلی شعارها در تظاهرات ۲۰۲۶

برابری حقوق زنان و مردان، پایان خشونت جنسی و قتل‌های ناموسی، عدالت اجتماعی و اقتصادی، مخالفت با جنگ و نظامی‌گری و دفاع از صلح جهانی

در بسیاری از شهرها فعالان گفتند که جنگ‌ها و بحران‌های جهانی بیشترین آسیب را به زنان وارد می‌کند و به همین دلیل شعارهای ضد جنگ نیز در تظاهرات دیده می‌شد.

در سال‌های اخیر جهان با چند جنگ و بحران بزرگ روبه‌رو بوده است؛ از جمله: جنگ روسیه و اوکراین، اسرائیل و فلسطین (غزه) تنش‌ها و درگیری‌ها در خاورمیانه، افزایش رقابت‌های نظامی بین قدرت‌های جهانی

در بسیاری از کشورها، جنبش‌های زنان فقط درباره مسائل جنسیتی نیستند؛ بلکه با موضوعات گسترده‌تری مانند: فقر، مهاجرت، نابرابری اقتصادی، نظامی‌گری پیوند خورده‌اند. به همین دلیل در تظاهرات شهرهایی مانند مادرید، پاریس یا سانتیاگو، فعالان شعارهایی مانند «بدون صلح، برابری ممکن نیست» یا «بودجه برای زندگی، نه برای جنگ» مطرح کردند.

نقش تاریخی جنبش زنان در صلح

از نظر تاریخی هم جنبش زنان اغلب با صلح‌خواهی همراه بوده است. نمونه مشهور آن اعتراض زنان در جنگ جهانی اول بود که بعدها به شکل‌گیری حرکت‌های بین‌المللی صلح کمک کرد.

حتی ریشه شکل‌گیری روز جهانی زن در اوایل قرن بیستم نیز با اعتراض‌های کارگری و ضد جنگ مرتبط بود.

در تظاهرات سال ۲۰۲۶ حضور گسترده دانشجویان و نسل جوان دیده شد. این نسل معمولاً جنبش‌های مختلف را به هم وصل می‌کند، مثل: حقوق زنان، محیط زیست، صلح جهانی و عدالت اقتصادی به همین دلیل شعارها چندبعدی‌تر و سیاسی‌تر.

یانارار محمد، مدافع حقوق زنان عراق به قتل رسید



یانار محمد، فمینیست و مدافع حقوق زنان عراقی که شبکه‌ای از خانه‌های امن را برای زنان آسیب‌دیده و قربانیان ایزدی خشونت‌های جنسی داعش ایجاد کرده بود، در تاریخ ۲ مارس در مقابل خانه‌اش در بغداد کشته شد. او ۶۵ سال داشت.

«سازمان آزادی زن در عراق»، گروهی که او یکی از بنیان‌گذارانش بود، در بیانیه‌ای اعلام کرد که دو فرد مسلح موتورسوار به سوی خانم محمد تیراندازی کردند و او بر اثر شدت جراحات در بیمارستان درگذشت.

دیده‌بان حقوق بشر مرگ او را «ضایعه‌ای عمیق» خواند. رزا صالحی، پژوهشگر امور عراق در سازمان عفو بین‌الملل، این قتل را «حمله‌ای حساب‌شده برای خفه کردن صدای مدافعان حقوق بشر» توصیف کرد

چرا زنان از نیروی کار فناوری اروپا ناپدید می‌شوند

گزارش جدید نشان می‌دهد مهم‌ترین دلیلی که زنان شغل‌های خود در حوزه فناوری را ترک می‌کنند، فرهنگ حاکم بر محیط کار است.

طبق گزارش تازه‌ای که هشدار می‌دهد در صورت نبود اقدام، به ویژه در عصر هوش مصنوعی، شکاف جنسیتی می‌تواند باز هم عمیق‌تر شود، زنان کمتر از یک‌پنجم نیروی کار حوزه فناوری در اروپا را تشکیل می‌دهند.

اساس گزارش تازه شرکت مشاوره‌ای مک‌کینزی اند کمپانی، در سال ۲۰۲۵ زنان ۱۹ درصد کارکنان در نقش‌های اصلی حوزه فناوری در سراسر اروپا را تشکیل داده‌اند؛ رقمی که نسبت به سال قبل ۳ درصد کاهش نشان می‌دهد.

این کاهش به گفته گزارش نشان می‌دهد تلاش‌ها برای جبران کمبود مزمین حضور زنان به پیشرفت معناداری منجر نشده است.

«با دگرگون شدن نقش‌ها و شیوه خلق ارزش در فناوری توسط هوش مصنوعی، شکاف‌های جنسیتی موجود اگر اقدام آگاهانه‌ای صورت نگیرد می‌تواند عمیق‌تر شود.»

این هشدار در حالی مطرح می‌شود که سازمان‌ها در ایالات متحده و اروپا شروع کرده‌اند ابتکارهای تنوع، برابری و شمول (DEI) را که در بخش عمده دهه ۲۰۱۰ زنان را به ورود به حوزه‌هایی که به طور سنتی تحت سلطه مردان بوده‌اند، مانند

علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات (STEM)، تشویق می‌کرد، کاهش دهند.

شکاف جنسیتی از کجا آغاز می‌شود؟

در این پژوهش ۴ میلیون پروفایل لینکدین مربوط به نقش‌های فناورانه در سراسر اتحادیه اروپا بررسی و با داده‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و همچنین داده‌های نیروی کار پلتفرم استخدام مبتنی بر هوش مصنوعی «فایندم» تلفیق شد.

به گفته گزارش، زنان تقریباً بلافاصله پس از پایان مدرسه از رشته‌های مرتبط با فناوری فاصله می‌گیرند. دختران در مقاطع ابتدایی و متوسطه در دروس حوزه STEM کمی بهتر از پسران عمل می‌کنند، اما تنها ۳۲ درصد از کل دانشجویان دختر تصمیم می‌گیرند در رشته‌های کارشناسی مرتبط با فناوری ثبت‌نام کنند.

در میان کسانی که تحصیلات عالی‌تر را ادامه می‌دهند، احتمال این که زنان در یک رشته STEM مدرک دکترای بگیرند اندکی بیشتر از مردان است. با این حال تنها ۱۹ درصد کل شاغلان حوزه فناوری را زنان تشکیل می‌دهند.

زنان قربانی اصلی تغییرات اقلیمی



به مناسبت روز جهانی زن، یورونیوز گرین نقش چند سیاستمدار زن را که در خط مقدم مبارزه بی‌پایان با تغییرات اقلیمی هستند برجسته می‌کند.

هاننا اسپنسر هنگام آن که هفته گذشته در شمال انگلستان به عنوان نخستین نماینده حزب سبز در آن منطقه به برگزیده شدن دست یافت، اعلام کرد: «در انتخابات سراسری بعدی یک موج سبز در راه است.» او و جمع رو به رشدی از زنان بر قله این موج ایستاده‌اند.

اسپنسر چهره معمول سیاست سبز نیست. او یک لوله‌کش است که در ۱۶ سالگی مدرسه را ترک کرده و در جریان همین کارزار همچنان دوره آموزش گچ‌کاری خود را به پایان می‌رساند؛ و نماینده همان نوع رای‌دهنده‌ای است که حزب سبز - با پایگاه سنتی‌اش در میان طبقه متوسط جنوب بریتانیا - سال‌هاست برای رسیدن به آن مشکل داشته است.

او در سخنرانی خود وعده داد: «زندگی را برای آدم‌هایی مثل خودمان بهتر کنیم؛ هزینه‌های زندگی را پایین بیاوریم، کنترل اجاره‌بها را برقرار کنیم و زباله و نخاله‌های ره‌اشده را از خیابان‌هایمان جمع کنیم» و حالا به دنبال نمایندگی همین مردم است.

چنین تعهدی برای او هزینه شخصی هم داشته است. حتی پیش از آن که اسپنسر بر کرسی خود تکیه بزند، صلاحیت حرفه‌ای و پیشینه کارگری‌اش زیر سوال رفت و همزمان شایعات دروغینی درباره میلیونر بودن همسرش منتشر شد.

بقیه در صفحه ۱۸

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۷

کشور آسیای مرکزی که قواعد حقوق زنان را از نو می‌نویسد



اصلاحات و برنامه‌های حمایتی به تدریج دسترسی زنان به آموزش، کارآموزی و کسب‌وکار را بهبود می‌دهد. زنان ۵۴ درصد دانشجویان و ۶۱ درصد سمت‌های پژوهشی را تشکیل می‌دهند و در ۲۰۲۵ بیش از ۳۸۰ هزار

زن وام گرفتند. اما هنجارهای اجتماعی و خشونت جنسیتی همچنان مانع پیشرفت است. ازبکستان در شاخص جهانی برابری جنسیتی و حکمرانی ۵۱ پله صعود کرده و از رتبه ۱۰۳ به ۵۲ رسیده است؛ جهشی که نتیجه اصلاحات گسترده قانونی برای گنجاندن اصول برابری در قانون اساسی، راهبرد ملی توسعه و بیش از ۱۱۰ سند قانونی دیگر است. در گزارش «زنان، کسب‌وکار و قانون ۲۰۲۶» بانک جهانی، ازبکستان با جهش ۴۳ رتبه‌ای در جایگاه ۴۸ میان ۱۹۰ اقتصاد قرار گرفته و با کسب امتیاز ۸۲٫۱ از ۱۰۰ در شاخص چارچوب حقوقی، بالاتر از میانگین جهانی ۶۷ ایستاده است. این کشور در حوزه‌های جابجایی، خانواده، دستمزد، مراقبت از کودک و حقوق مالکیت حداکثر امتیاز را کسب کرده و در قوانین کار و بازنشستگی نیز بهبودهایی به دست آورده است. پس از انتخابات پارلمانی ۲۰۲۴، زنان اکنون ۳۸ درصد کرسی‌های مجلس قانونگذاری، ۲۷ درصد کرسی‌های سنا و ۳۲٫۵ درصد کرسی‌های شوراهای محلی را در اختیار دارند.

آموزش و مهارت‌های دیجیتال

زنان اکنون ۵۴ درصد دانشجویان آموزش عالی ازبکستان را تشکیل می‌دهند؛ بیش از ۹۰۴ هزار نفر تا سال ۲۰۲۶ در دانشگاه‌ها ثبت‌نام کرده‌اند و ۶۱ درصد کارآموزان، دستیاران پژوهشی و دانشجویان دکتری نیز زن هستند.

دولت برای گسترش دسترسی زنان کم‌درآمد وارد عمل شده است؛ ظرفیت‌های کارشناسی با بودجه دولتی برای زنان خانواده‌های کم‌درآمد ۲ هزار به ۴ هزار نفر در برابر شده و سهمیه پذیرش با پرداخت شهریه برای زنانی که دست‌کم پنج سال سابقه کار حرفه‌ای دارند اما مدرک دانشگاهی ندارند، از ۵۰۰ به ۲ هزار و ۵۰۰ نفر، پنج برابر افزایش یافته است. مقدس سادیکو، کارآفرین اهل اندیجان و مادر چهار فرزند، پس از ۱۲ سال تحصیل در خانه با استفاده از همین طرح در دانشگاه دولتی تربیت‌معلم اندیجان ثبت‌نام کرد. او بعدتر با حمایت برنامه توسعه ملل متحد کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کرد و شرکتش «سم برایت لاین» اکنون ۱۸ نیروی ثابت و بیش از ۱۸۰ نیروی فصلی را به کار گرفته است.

ازبکستان در آموزش دیجیتال نیز یک استثنا به شمار می‌رود: بر اساس تحلیل کورسرا درباره شکاف جنسیتی در هوش مصنوعی مولد، این کشور تنها جایی است که زنان اکثریت ثبت‌نام‌کنندگان دوره‌های هوش مصنوعی مولد را تشکیل می‌دهند؛ ۵۸٫۹ درصد.

زنان در کسب‌وکار و کارآفرینی

کارآفرینی زنان شتاب گرفته است. در سال ۲۰۲۵، بیش از ۳۸۰ هزار زن در قالب برنامه‌ای گسترده برای راه‌اندازی کسب‌وکار، وام‌هایی به ارزش در مجموع ۱٫۵۲ میلیارد یورو دریافت کردند؛ تلاشی که در مجموع حدود ۲٫۳ میلیون زن را از طریق تسهیلات هدفمند، مشاوره و برنامه‌های آموزشی، به فعالیت‌های درآمدزا وارد کرد.

بانک BRB به تنهایی بیش از ۱۱ هزار کسب‌وکار تحت مالکیت زنان را با مجموع حدود ۲۹٫۳۴ میلیون یورو تامین مالی کرده است. این آمار را زلفیه سابورا، معاون مدیر یکی از بخش‌های این بانک اعلام می‌کند.

سابورا گفت: «این وام‌ها با شرایط مطلوب ارائه می‌شود؛ از جمله دوره بازپرداخت هفت‌ساله و دو سال دوره تنفس.»

برخی از دریافت‌کنندگان این تسهیلات وارد بازارهای صادراتی شده‌اند. نرگیزا بک موراتوا، بنیان‌گذار شرکت نساجی «آرتا تکس» اکنون به ایالات متحده، روسیه، آذربایجان و قزاقستان صادرات دارد و میزان صادرات سالانه‌اش به حدود ۳٫۷۲ میلیون یورو رسیده است.

منابع استفاده شده برای این مجموعه: ایران امروز، بی بی سی، ایلتا، رادیو زمانه، یورپ نیوز

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۰

چهارشنبه ۶ اسفند

*جمعی از رانندگان و دارندگان خودروهای سنگین در مناطق جیکگور، پیشین و راسک در اعتراض به قطع سهمیه سوخت مینی‌بوس‌ها و کمپرسی‌ها، مقابل فرمانداری راسک تجمع کردند. به گزارش حال وش، نزدیک به ۳۵۰ دستگاه مینی‌بوس و کمپرسی در شهرستان راسک با قطع سهمیه سوخت مواجه شده‌اند و این موضوع موجب اختلال جدی در فعالیت شغلی رانندگان و تأمین معیشت خانواده‌های آنان شده است. رانندگان حاضر در تجمع با اشاره به وابستگی کامل درآمدشان به فعالیت روزانه خودروها، خواستار شفاف‌سازی درباره علت قطع سوخت و بازگشت فوری سهمیه‌ها شده‌اند.

شنبه ۱۶ اسفند

*جمعی از اهالی محله موسک ۲ مریوان در اعتراض به استقرار نیروهای سپاه پاسداران در مجموعه ورزشی تجمع کردند. به گزارش هه نگاو، نیروهای نظامی سپاه پاسداران در شهر مریوان که اقدام به استقرار در مجموعه ورزشی محله «موسک ۲» این شهر کرده بودند، با مخالفت شدید و تجمع اعتراضی ساکنان این محله روبه‌رو شدند. پس از آغاز جنگ میان آمریکا، اسرائیل و ایران و بمباران مراکز نظامی و امنیتی ایران توسط جنگنده‌های این دو کشور نیروهای سپاه با دو دستگاه وانت پیکاپ اقدام به انتقال پتو و تجهیزات به داخل سالنهای مجموعه ورزشی محله «موسک ۲» کردند، اما ساکنان با حضور مقابل سالن مانع ادامه انتقال تجهیزات و استقرار این نیروها در این مکان شدند.

دوشنبه ۱۸ اسفند

*کارگران شرکت داماش از عصر روز سه شنبه ۵ اسفند، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. به گزارش ایلتا، کارگران آب معدنی داماش از معوقات مزدی خود خبر دادند و گفتند: کارگران نگرهبان شش ماه و کارگران خط تولید چهار ماه است که هیچ حقوقی دریافت نکرده‌اند. بدون حقوق و با قرض و نسیه زندگی می‌کنیم، و حتی اگر کارفرما امروز تمام حقوق ما را پرداخت کند، همه‌ی آن حقوق را قبلاً خرج کرده‌ایم. کار می‌کنیم اما توان خرید نیازهای حداقلی سفره خانواده را هم نداریم. کارگران کارخانه آب معدنی داماش پس از سیزده روز اعتصاب آغاز به کار کردند. کارگران معترض از پرداخت دو ماه حقوق معوق در روزهای اخیر خبر دادند.



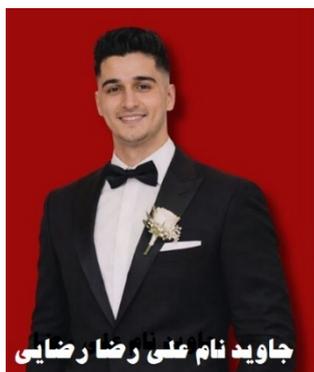
جنبش رنگین کمان بیشماران (اسفند ۱۴۰۴)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

روز آدینه یکم اسفند در شهرهای: اصفهان (باغ رضوان)، تهران (بهشت زهرا)، سیرجان، شیراز، فولادشهر، بوشهر کرمانشاه، گلپایگان، لاهیجان، لنگرود (چاف)، میمند، نجف آباد (و همچنین دَهَق) و... یادمان چهلمین روز شهیدان قیام برگزار شد.

روز یکشنبه ۳ اسفند ۴۰۴، گیلان سوگوار جانبختگان راه آزادی ایران، سرفراز چون گذشته همراه با دیگر استانها و شهرهای ایران، به کف خیابان آمده و یاد و خاطره جاویدنامان وطن را گرمی داشته و یکصدا بانگ برآوردند که «دانشجوی زندانی، معلم زندانی، محصل زندانی، وکیل زندانی، کارگر زندانی و معترض زندانی آزاد باید گردد.»

روز پنجشنبه ۷ اسفند، مراسم چهلم جاوید نام علی رضا رضایی از جان باختگان اعتراضات سراسری دی ماه ۱۴۰۴ در تهران در مزارستان لک شهرستان هرسین، استان کرمانشاه برگزار شد.



جاوید نام علی رضا رضایی

روز آدینه یک اسفند ۱۴۰۴، مراسم چهلم علی رضا امانی، ۲۳ ساله که ۱۸ دی «با شلیک نیروهای بسیج» در آب پخش بوشهر به قتل رسید برگزار شد. در این مراسم جمعیت پرشماری حضور داشتند و شعارهایی همچون «این گل پرپر شده هدیه به میهن شده» و «هرگ بر دیکتاتور» سردادند. خواهر جاوید نام علی رضا در این مراسم سخنانش را این طور آغاز کرد: «به نام وطن، به نام ایران، به نام آزادی و به نام خون جوانانی که بر خاک افتادند تا ما بایستیم... ما را به خاک نشانید...»

اما خاک وطن ماست و از دل وطن دوباره پر می کشیم... او بخشی از شعر «رویش ناگزیر» شهریار دادور را می خواند: «گیرم که در باورتان به خاک نشست ام و ساقه های جوانم از ضربه های تیرهایتان زخم دار است، با ریشه چه می کنید؟ گیرم که بر سر این بام بنشسته در کمین پرده ای، پرواز را علامت ممنوع می زیند، با جوجه های نشسته در آشیانه چه می کنید؟»



فرماندار شهریار: «جانبختگان حوادث دی غالباً کارگر و زحمتکش بودند.»
(خبرآنلاین، یکشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۴)

«هرگونه تعرض به ساکنان شهرها و درگیر کردن شهروندان عادی و غیر مسلح در کشمکشهای نظامی تحت هر عنوان و به هر شکل و شیوه یک جنایت جنگی و محکوم است.» (سپفخا، دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ - ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵)

در آخرین ماه سال ۱۴۰۴، رسانه های حکومتی ابعاد جدیدی از شرایط فاجعه بار حاکم بر جامعه را پوشش دادند. کار و کارگر در شماره روز یکشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۴، نوشت: جمعیت غیر فعال (بیکار) آتش زیر خاکستر اقتصاد ایران است... جوانان غیر فعال پتانسیل تبدیل به معترضان احتمالی را دارند. در همین روز عصر رسانه از «رشد جمعیت غیر فعال و سقوط انگیزه کار؛ بحران پنهان اشتغال» خبر داد و نوشت: آتش زیر خاکستر در اقتصاد ایران و استمرار این بی توجهی می تواند به یکی از محورهای اصلی اعتراضات و ناآرامی در جامعه را تبدیل کند.



کار و کارگر در شماره روز سه شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴، سبد معیشت را «۷۰ میلیون تومان» ارزیابی کرد و نوشت: زندگی به موضوع بقا تقلیل یافته است.

روز چهارشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۴، رسانه حکومتی نقش اقتصاد نوشت: نرخ سبد معیشت طبقه کارگر به ۶۵ میلیون تومان رسید.

با آغاز حمله تجاوزگرانه به سرزمین ایران در روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴ (۲۸ فوریه ۲۰۲۶) و حاکم شدن شرایط سرکوب و خفقان، امکان اعتراض از جانب نیروهای کار گرفته شد. اما پیش از آغاز جنگ شاهد ۲۶ حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار و دهها حرکت اعتراضی از جانب دانشجویان و ادامه یادمان شهیدان جنبش انقلابی ماه دی بودیم.

کشته و مفقودی تعدادی کارگر در جریان حملات در هنگام انجام کار

به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، در جریان حمله آمریکا و اسرائیل به شهرک صنعتی حیدرآباد سولدوز، تعدادی از کارگران شیفت شب یک کارخانه تولید آرد و نشاسته با نامهای وحید طالبی، وحید بایرام زاده، امیرحسین حسن زاده، اصغر خدایاری، حسین محمدی، علی اکبر اروج زاده، مهدی قلی زاده، محمد علی زاده و علی نجفی کشته شده و عزیز عباس زاده هم چنان مفقود است.

خروش و خشم در چهلمین روز شهیدان قیام

در ادامه مراسم چهلم شهیدان جاوید نام در سراسر کشور که با شور و خشم انقلابی و با حضور گسترده زنان و مردان شجاع در مزار شهیدان برگزار شد. شرکت کنندگان در این گردهماییهای اندوه خود را با سر دادن شعار، نواختن ساز و دهل، آواز خوانی و رقص، اجرای سرود ای ایران، عروسی نمادین، شاهنامه خوانی و... نشان دادند. پیش از شروع جنگ ویرانگر نیز بسیاری از شهروندان در چهلمین روز قتلعام لاله های سرخ سرزمین آفتاب، یاد و نام دلاور زنان و مردان ایران زمین را گرمی داشتند.

شامگاه شنبه ۲ اسفند ۱۴۰۴ جمعی از شهروندان آبدانان مقابل منزل یعقوب محمدی، معلم و فعال مدنی، تجمع کردند. این تجمع پس از بازداشت او در ساعات ابتدایی همان روز شکل گرفت.

*شماری از افراد ثبت نام‌کننده خودروهای وارداتی شرکت «تنگین تندیس الماس» با تجمع در مقابل دفتر این شرکت در تهران، خواستار رسیدگی به تأخیر در تحویل خودروهای ثبت‌نامی در ماه اسفند شدند. به گزارش عصر ایران، افراد معترض اعلام کردند که با وجود واریز کامل مبلغ، شرکت از تحویل خودروها خودداری کرده و به تاریخهای اعلامی خود نیز پایبند نبوده است. این مشتریان از تأخیرهای پیاپی در تحویل خودرو ناراضی هستند و خواستار رسیدگی نهادهای مسئول در وزارت صمت و سازمان بازرسی کل کشور شدند. مشتریان تجمع‌کننده همچنین عنوان کردند که با برخورد فیزیکی، استفاده از شوکر و کتک‌کاری روبه رو شده‌اند.

یکشنبه ۳ اسفند

*شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، تهران و رشت تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، همسانسازی حقوقها، افزایش دریافتیهایی متناسب با هزینه‌های زندگی، رفع مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی و اجرای ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی جهت دریافت خدمات درمانی رایگان، از جمله خواسته‌های بازنشستگان معترض است.

دوشنبه ۴ اسفند

*شماری از کارکنان دفاتر سهام عدالت که از استانها و شهرستانهای مختلف به تهران رفتند و برای دومین روز متوالی مقابل درب شمالی (شماره ۲) ساختمان وزارت امور اقتصادی و دارایی دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، از جمله مطالبات این کارکنان، تعیین وضعیت شغلی پس از ۱۹ سال بلا تکلیفی، پرداخت معوقات حقوقی و بیمه‌ای آنها از سال ۱۴۰۲ تاکنون و رسیدگی به مصوبات اخیر شورای عالی بورس در رابطه با سهام عدالت است.

*تجمع اعتراضی شهروندان طارم سفلی (روستاهای گورخانه، مرتضانک و قوشچی) در استان قزوین در اعتراض به جاده‌های نایمن، کم آبی و بحرانهای زیست محیطی از جمله فعالیت مخرب معادن شن و ماسه و عدم پاسخگویی مسئولان در محدوده پل رودخانه سنگور. در این تجمع، زنان و مردان سالخورده ایل کلهر که برای اعتراض به ایجاد واحد جدید شن و ماسه حضور داشتند، با برخورد و ضرب و جرح مواجه شده و تعدادی از آنها بازداشت شده‌اند؛ موضوعی که واکنش و نگرانی گسترده مردم منطقه را به دنبال داشته است.

*برای سومین روز متوالی، کارگران کارخانه سیمان خوزستان واقع در شهرستان هفتکل، جاده سد رامهرمز برای اعتراض به سطح نازل حقوق و تبعیض در پرداختی‌ها علیرغم تبدیل وضعیت و عقد قرارداد مستقیم دست به تجمع زدند. یکی از کارگران سیمان هفتکل به خبرنگار ایلنا گفت: حدود ۱۵۰ کارگزار مجموع ۸۰۰ کارگر سیمان خوزستان هستیم که از حدودا یکسال پیش از پیمانکاری به یک شرکت تامین نیرو زیر مجموعه شرکت اصلی تبدیل وضعیت شده‌ایم اما تغییری در وضعیت شغلی‌مان ایجاد نشده است.

وی گفت: کارگران قراردادی، پیمانکاری و رسمی سیمان خوزستان کارهای یکسانی را انجام می‌دهند اما دارای قراردادهای مختلف هستند و مشاهده ارقام فیش حقوقی این چند گروه از کارگران در پایان ماه حاکی بر آن است که با وجود کار یکسان پرداخت‌ها متفاوت است و این عامل نارضایتی شدیدی در بین کارگران شده است.

سه شنبه ۵ اسفند

کارگران تصفیه خانه سد کوثر گچساران (تصفیه خانه آبرسانی به شهرها و روستاهای حاشیه خلیج فارس) برای اعتراض به سطح نازل حقوق، شرایط سخت کاری، حذف یک وعده غذا و نداشتن سرویس رفت و آمد مقابل مجتمع تجمع کردند. به گزارش کبنا نیوز، کارگران این تصفیه‌خانه در حالی که با مواد شیمیایی سرکار دارند و با تلاش، زحمت، دقت و حساسیت بالا آب شرب سالم صدها شهر و هزاران روستا کشور در ۵ استان و بیش از دویلمیون نفر را تامین می‌کنند اما حقوق و مزایای قانونی این پرسنل زحمتکش نادیده گرفته شده است. کارگران این مجتمع دارای تحصیلات و تخصص می‌باشند که در واحدهای عملیاتی تصفیه خانه مشغول بکار هستند اما از دریافت حقوق و مزایای قانونی محروم هستند.

*واردکنندگان کالاهای اساسی برای اعتراض به توقف تخصیص ارز و پرداخت نشدن مطالبات معوقه و وعده‌های توخالی دولت مقابل وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند.

بقیه در صفحه ۱۸

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۹

در رویدادی دیگر در همین روز، یکی از مادران دادخواه حاضر در مراسم یادبود جاوید نام زهیر رحیمی، ۳۶ ساله و پدر فرزندی خردسال و از قتلعام عام شدگان شامگاه ۱۸ دی در نجف‌آباد اصفهان، با اشاره به خاک او گفت: «من از جانب مادرهای دیگه هم می‌گم ما عاشقیم، جانتون به سلامت. زندگی تون با عشق و صفا و برکت ادامه داشته باشه. مواظب باشیم. بهشون می‌گیم ما دیگه اجازه نمی‌دیم بهشون یکی رو دوتا کنند. کور خونند. کور خونند.»

روز آدینه ۲۹ اسفند ۱۴۰۴، همزمان با لحظه سال تحویل، خانواده و جمعی از مردم آبدانان با حضور بر مزار علی رضا صیدی، دانش‌آموز ۱۶ ساله، یاد او را گرمی داشتند و سال نو را در فضایی آمیخته با اندوه و یادآوری آغاز کردند. حاضران با روشن کردن شمع و قرائت دعا، یاد این نوجوان را زنده نگه داشتند. علی رضا صیدی، دانش‌آموز ۱۶ ساله اهل آبدانان، روز ۱۸ دی ماه در تهران بر اثر شلیک نیروهای سرکوبگر به قتل رسید. از آن زمان، مزار این دانش‌آموز به یکی از محل‌های گردهمایی خانواده و شهروندانی تبدیل شده است.



علیرضا صیدی؛ نوجوانی از نسل آزادی

شنبه ۲ اسفند

*جمعی از کارگران کارخانه تولی پرس، واقع در شهرک صنعتی البرز در استان قزوین، مقابل ساختمان این کارخانه دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، تجمع این کارگران در اعتراض به تعطیلی موقت این کارخانه و بیکار شدن ۱۰۸ کارگر شاغل در این واحد تولیدی صورت گرفته است. کارگران معترض اعلام کردند: ۱۰ کارگر شرکت «بسته‌بندی پارس» نیز که از واحدهای زیر مجموعه تولی پرس است با شرایط ایجاد شده برای تولی پرس کاری برای انجام دادن ندارند.

کارگران معترض گفتند: از مجموع ۱۰۸ کارگر حدود ۶۶ نفر شرایط بازنشستگی دارند و مابقی نیز تا یک الی دو سال آینده امکان بازنشستگی پیدا می‌کنند. آنها با یادآوری اینکه پیش از این کارگران برای پیگیری مشکلات مزدی خود بارها به نهادهای دولتی مستقر در استان مراجعه کرده‌اند، در پایان گفتند: در هر پیگیری مسئولان استانی وعده پیگیری مطالباتمان را دادند اما در عمل هیچ اتفاق خاصی نیفتاد تا اینکه امروز بیکار شدیم.

*جمعی از شهروندان ساکن آبدانان در اعتراض به بازداشت یک معلم، مقابل کلانتری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش کردپا، این اعتراض با مشارکت گسترده شهروندان شکل گرفت و با دخالت نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد. در این گزارش، بدون اشاره به هویت و جزئیات بیشتر، به زخمی شدن یکی از حاضران اشاره شده است. یعقوب محمدی، معلم بازنشسته ساکن آبدانان، با اعمال خشونت توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.



با قمه و نعره ی حیدر حیدر، آقازاده به سلطنت مطلقه نشست

زینت میرهاشمی



اسامی شماری از دانش موزان جانباخته در مدرسه دخترانه

شجره طیبه در میناب

بقیه از صفحه ۷

۳۲. سلما فرزادی فرزند نگار
۳۳. فاطمه طاهری فرد فرزند جان اله
۳۴. زهرا انصاری فرد فرزند امیر
۳۵. فاطمه فدوی حکمی فرزند یوسف
۳۶. محمد زاری کوهستکی فرزند علیرضا
۳۷. اطهره زارعی فرزند علی
۳۸. علیرضا زارعی فرزند احسان
۳۹. محمدرضا شهسواری فرزند امیر
۴۰. سمیرا بسارده فرزند علی اکبر
۴۱. احسان سالمی نیا فرزند ابراهیم
۴۲. فاطمه زهرا کریمی فرزند جواد
۴۳. زینب بهرامی فرزند اسحاق
۴۴. محمد شهسواری پور فرزند عبدالله
۴۵. رضا بارانی فرزند مسعود
۴۶. آتنا احمد زاده حلوادپئی فرزند عباس
۴۷. خدیجه درویشی فرزند رضا
۴۸. رقیه کریمی
۴۹. رضا رنجبر فرزند محمد
۵۰. مرضیه بصیری فر فرزند محمد
۵۱. محمد مهدی چگینی نیایی فرزند عباس
۵۲. محمد کیان بهرامی فرزند سجاد
۵۳. علی اکبر قربانی پاک فرزند عبدالله
۵۴. خانه مهدی خواه فرزند موسی
۵۵. فرشته سنگر زاده فرزند غلام
۵۶. محمدعلی قربانی پاک
۵۷. پارسا مختاری نسب فرزند محمد

بر اساس خبرهای اعلام شده، آقازاده علی خامنه‌ای را برای نشستن بر تخت «سلطنت» انتخاب کرده اند. اکنون نوبت آخوندهایی مثل حسن خمینی و حسن روحانی است که مجبور به بیعت با خلیفه جدید هستند.

مجتبی خامنه‌ای؛ چهره‌ای مغفور و پنهان برای اداره امپراتوری مالی «بیت» و سپاه پاسداران است. همان کسی که مردم در کف خیابان درباره‌اش شعار می‌دادند: «مجتبی بمیری، رهبری را نبینی.» از روزهای پیش که خبر تاجگذاری این آقازاده بر سر زبانها بود، مردم باوجود شرایط جنگی نیز همین شعار را از پنجره های شان تکرار می کردند. پیش از آنکه قالیباف خبر را رسماً اعلام کند، آخوند عسگر دیرباز، عضو مجلس خبرگان، خبر قرعه به نام مجتبی را برملا کرد. گزارش این عضو مجلس خبرگان درباره روند این انتخاب، از اختلافات عمیق بر سر این «عمامه گذاری» حکایت دارد. او گفته است: «اعضای مجلس خبرگان عملاً به گزینه‌ای که سبید باشد و راه رهبری را ادامه دهد رسیده‌اند؛ البته بعضی از اعضای مجلس خبرگان رأی دیگری دارند و رأی آنها هم به خاطر خداست و نیت دیگری در کار نیست، اما نظر اکثریت روی فرزند حضرت آقااست. البته ایشان، به رسم همه فقها و علما، ممکن است در ابتدا قبول مسئولیت نکنند، اما وقتی تکلیف شود قطعاً تمکین خواهند کرد.»

نشستن مجتبی بر صندلی ولایت، که در بدترین شرایط حیات رژیم رخ می دهد، بیش از آن که انتخابی از جانب آخوندهای مجلس خبرگان باشد، انتصابی از جانب سپاه چپاولگر و جنایتکار پاسداران است.

با قتل عام وحشیانه چندین هزار تن شهروندان طی دو روز در ماه دی امسال و تحمیل جنگ ارتجاعی به کشور و مردم، شانس نظام برای ادامه بقا به شیوه گذشته از دست رفت. کشته شدن ولی فقیه در روز اول جنگ این وضعیت را تشدید کرد و بنابراین اکثریت بازماندگان نظام ادامه همان سیاست سرکوب بی امان با محوریت سپاه پاسداران را «مصلحت نظام» دانستند و انتخاب مجتبی حاوی همین مصلحت اندیشی است.

برقراری حکومت نظامی، گسیل شبانه قمه‌کشان بسیجی به خیابانها و استقرار ایستهای بازرسی با تیربار و بازرسی شهروندان، دقیقاً نشاندهنده وحشت رژیم از خشم آتشین مردم است.

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت رژیم در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «از مردم [بخوانید بسیجی ها] تشکر می‌کنم. وقعا دهاینه [بخوانید سرکوبگرانه]، دلسوزانه [بخوانید بیرحمانه] و با غیرت [بخوانید با بی شرفی] عمل کردید. حضورتان در خیابانها فوق العاده مهم است برای اینکه دشمن [بخوانید خروش و قیام مردم] را پس بزینم. این حضورتان از حجم آتشی که بر سر صهیونیستها می‌ریزیم، ارزشمندتر است.»

فراسوی خبر ... دوشنبه ۱۸ اسفند

هلاکت لاریجانی و تاثیرات آن

منصور امان



پاسدار علی لاریجانی، یک عضو کلیدی دستگاه نظامی-امنیتی ج.ا. در پیامد کشمکشهای نظامی اخیر به هلاکت رسیده است. کشته شدن لاریجانی یک ضربه اساسی به ساختار رهبری رژیم ولایت فقیه به شمار می‌رود که «نظام» آن را همراه با دور جدید تنش با اسرائیل و آمریکا از نو پییده بود.

علی لاریجانی در چارچوب همین تغییرات به دبیری بالاترین نهاد امنیتی «نظام» گمارده شد و آنگونه که پیدا بود، خامنه‌ای او را به بیشترین اختیارات در مدیریت و تصمیم‌گیری در هر دو پهنه داخلی و خارجی آراسته بود. وی همانگونه که طرف مذاکره با چین و روسیه برای دریافت کمک نظامی و سیاسی بود، همزمان در عمان و قطر نیز دیپلماسی محرمانه هسته‌ای را پیش می‌برد.

جایگاه کلیدی وی در ساختار جنگی رهبری ج.ا. هنگامی به‌روشنی خود را نمایان ساخت که نقش رهبری سرکوب خونین خیزش دی‌ماه را ایفا کرد. پاسدار لاریجانی منبع اصلی روایت‌سازی و مهندسی اتهامات حاکمیت علیه مردم معترض بود. او با زمینه‌چینی کشتار بعدی، اعتراضات را «طراحی آمریکا و اسرائیل» دانست، معترضان را «ابزار دشمن» و «تروریستهای شهری» خواند و آنها را با «داعش» مقایسه کرد. این روایتها، ابتدا پایه حمله دستگاه تبلیغاتی حاکمیت و سپس لشکرکشی نیروهای نظامی-امنیتی آن برای کشتار هولناک دی‌ماه قرار گرفت.

علی لاریجانی در کوک کردن ماشین کشتار سابقه طولانی دارد. وی سالها پیشتر نیز در پست رییس صداوسیما ج.ا. همین نقش را با پرونده‌سازی و اتهام‌زنی به نویسندگان و روشنفکران غیرمهم‌سو را بازی کرد که نقطه عزیمت دستگاه امنیتی در سلسله ترورهای مشهور به «قتلهای زنجیره‌ای» شد.

هلاکت لاریجانی در مخفیگاهش ناتوانی ساختار امنیتی ج.ا. در رویارویی و پیشگیری تهدیداتی که با آن روبروست را آشکارتر کرد. او در حالی حذف شد که رژیم حاکم در بالاترین سطح هشداری امنیتی قرار دارد و به‌خوبی انتظار چنین حملاتی را می‌کشد. کشته شدن وی به‌عنوان ارشدترین یابور امنیتی رژیم ج.ا. آنهم در وضعیت هشدار و آماده‌باش، بحران دستگاه نظامی-امنیتی را که از فروردین سال گذشته با ترور سرکردگان سپاه قدس در سوریه آغاز شد، به اوج می‌رساند. تاثیر مستقیم آن، دامن زدن به تردید نیروهای میانی و بدنه نسبت به پایداری مناسبات و تقویت بی‌اعتمادی متقابل میان سرکردگان ارشد است؛ آنچه که پایه تشدید درگیریهای باند‌های داخلی سپاه پاسداران، پاکسازی و تضعیف این نیرو در مجموع خواهد شد. در بُعد سیاسی، هلاکت لاریجانی اگرچه موجب تقویت باندی در سپاه پاسداران می‌شود که مجتبی را رهبر کرده، اما همزمان روند تصمیم‌گیری را دشوارتر و قدرت را به بلوکهای کوچک‌تری تجزیه می‌کند. این دو تاثیر، در حالی که رژیم حاکم زیر آتش دائمی بمباران و موشک قرار دارد و آمریکا و اسرائیل رهبرانش را تعقیب می‌کنند، به صورت برهم‌خوردن بیشتر تعادل آن و آشفتگی در بالاترین سطوح خود را نشان خواهد داد.

مردم ایران برای عنصر جانپنازی که از مسوولان اصلی کشتار هزاران تن از فرزندان، پدران و مادران آنهاست، اشکی نخواهد ریخت. دست تباه‌گر لاریجانی اینک از سر مردم کوتاه شده است. مرگ سخت او شاید یک مرهم کوچک بر زخمی باشد که همچنان بر تن ایران می‌جوشد.

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۷ اسفند

بازداشتهای فله‌ای؛

جان زندانیان سیاسی در خطر است!

زینت میرهاشمی



پاسدار رادان، سرکرده نیروی انتظامی، در روز یکشنبه از دستگیری ۵۰۰ نفر به اتهام «ارسال اطلاعات به دشمن و رسانه‌های ضدایرانی» و «جاسوسی» خبر داد. پیش از این، ازهای، رئیس قوه قضائیه، انتشار غیر حکومتی عکس و فیلم از خرابیها و محل اصابت بمبها را «مصادق

تخلف و جرم» اعلام کرد و منتشرکنندگان را به «برخورد قاطع» تهدید کرده بود.

پیش‌تر در روز ۱۹ اسفند، پاسدار رادان گفته بود: «اگر کسی به خواست دشمن به خیابان بیاید، ما دیگر او را معترض نمی‌بینیم، او را دشمن می‌بینیم و همانطور با او رفتار می‌کنیم که با دشمن رفتار می‌کنیم. همه بچه‌های ما هم دست به ماشه آماده اند.»

حسین مجیدی، دادستان ارومیه، از دستگیری ۲۰ نفر در ارومیه توسط سازمان اطلاعات سپاه استان آذربایجان غربی خبر داد. خبر بازداشتهای فله‌ای به بهانه جاسوسی در گوشه و کنار کشور زیاد است. این دستگیریها در حالی انجام می‌شود که دسترسی به اطلاعات حساس تنها در بالاترین سطوح قدرت ممکن است.

قتل‌عام هزاران شهروند و معترض در دی‌ماه خونین به بهانه «اغتشاشگر» و سپس بازداشتهای به اتهام «جاسوسی» نشان می‌دهد که این موج دستگیریها بخشی از تشدید سرکوب برای جلوگیری از قیام مردم است.

پاسدار نقدی در یک نمایش قدرت دروغین گفته بود: «فرصتی برای محو اسرائیل فراهم شده است. برای مقدمه ظهور امام زمان، اسرائیل باید حذف شود و پایگاههای آمریکا از منطقه پاکسازی گردد.» رژیم با سرکوب می‌خواهد جریان خبرسانی از جنگ را در چارچوب ساختار خود مهندسی کند.

متأسفانه مردم ایران همزمان زیر فشار بمباران آمریکا و حکومت فاشیستی تانیاها و زیر سرکوب مزدوران سپاهی و بسیجی دیکتاتوری مذهبی در خیابان هستند و هدف رژیم ولایت فقیه از هزینه کردن ثروت مردم با «اقتصاد مقاومتی» و فقیر کردن جامعه، تنها حفظ امنیت خود و بقای قدرتش است.

رژیم با قطع اینترنت، مانع خبرسانی از زندان به بیرون شده است. بر اساس گزارشهای میدانی، زندانیان از کمبود تغذیه و بهداشت رنج می‌برند و امنیت جانی‌شان در معرض تهدید قرار دارد. آزادی زندانیان سیاسی در شرایط جنگی، یک ضرورت انسانی و خواست ملی است.

دستاورد رژیم طی ۴۷ سال، ناامنی زندگی و تعرض به معیشت مردم بوده است: ناامنی آسمان ایران، استقرار نهادهای نظامی نزدیک خانه‌ها، بیمارستانها و مدارس، قرار دادن ایستهای بازرسی زیر پل‌ها (پس از بمباران ایستهای بازرسی)، عریه‌ده‌های جنگ‌طلبانه، روایت‌سازی پوچ از قدرت نظامی و موشکی، بستن تنگه هرمز و... همه این موارد نشان‌دهنده بی‌کفایتی حکومتی است که جنگ را به خانه مردم آورده بدون ایجاد پناهگاه یا امنیتی واقعی.

امنیت مردم و جلوگیری از جنگ و ویرانی، تنها با سرنگونی رژیم و پایان جاه‌طلبیهای ارتجاعی آن، برقراری جمهوری دموکراتیک، جدایی دین از دولت و تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی ممکن است.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۲۵ اسفند

عقربه‌ها به ساعت صفر

نزدیک می‌شود

منصور امان



بشکنند قلمی

که از قتل عام توسط رژیم ننویسد

زینت میرهاشمی



یکی از ویژگی‌های چشمگیر خیزش خونین دی ماه، واکنش بازماندگان شهروندان جانب‌ناخته در برابر حکومت است. آیینهای سوگواری بر مزار شهیدان، گویه‌های پدران و مادران داغدار فرزندان آفتاب و باد، همراهی انبوه مردم از جوان و پیر با خانواده‌ها، کف زدن همراه با خشم، جشنهای عروسی نمادین و... همگی از انباشت نفرتی اجتماعی حکایت دارد که در برابر حکومت شکل گرفته است. حکومت با سرکوب خونین معترضان، بذر این خشم را کاشت.

شکل سوگواری که در چهل‌م شهیدان مشاهده می‌شود، کنش هدفمند و آگاهانه از تقابل با حاکمیت است. شهروندانی که با تک تیرهای مزدوران خامنه‌ای جان باختند، از سوی مردم و خانواده‌های شان «هدیه به میهن» در مسیر آزادی و سربلندی ایران نام گرفته‌اند. مردمی که همراه با شعار «مرگ بر دیکتاتور» در مزار شهیدان می‌رقصند، به خامنه‌ای یادآوری می‌کنند که پیروز نشده و جنبش ادامه دارد.

چند نمونه از خشم زنان و مردان در مزار شهیدان:

پدر ابوالفضل میز آبی: «قلمت بشکنند روزگار اگر نویسی چه بر ما گذشت.»

پدر مهدی پورکرمی جلالی: «پسرم به دموکراسی باور داشت و با تمامیت خواهی مخالف بود. اغتشاشگر آن کسی است که اختلاس می‌کند و در امنیت کامل زندگی اش را می‌کند. من افتخار کردم که پسرم برای دموکراسی رفت.»

مادر یوسف بخشی: «سرم بلند، تاج انسانیت بر سر خودم و فرزندم است.»

مادر نهایت رحیمی: «این راه پر رهرو است و ادامه دارد.»

خواهر علی رضا امانی: «به نام وطن، به نام ایران، به نام آزادی و به نام خون جوانانی که بر خاک افتادند تا ما بایستیم... ما را به خاک نشانید... اما خاک وطن ماست و از دل وطن دوباره پر می‌کشیم.»

پدر بزرگ رها بهلولی: «رها همان ماهی کوچولوی صمد بهرنگی‌ست که از حوضچه و جویبار کوچک فیروزآباد، مسیر سخت و سنگلاخی را طی کرد و به دریای بیکران تهران و دانشگاه تهران رسید.»

دانشجویان دانشگاه تهران با شعارهایی مانند: مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر / نه سلطنت نه رهبری دموکراسی برابری / مرگ بر خامنه‌ای / زن زندگی آزادی / قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان و... ضمن مرزبندی با هر نوع دیکتاتوری، بار دیگر نقش پیشتازی خود را در جنبش ضد دیکتاتوری به نمایش گذاشتند.

آن چه در مزار شهیدان و در دانشگاههای کشور در روز شنبه ۲ و یکشنبه ۳ اسفند جریان داشت بیان تداوم جنبش برای سرنگونی نظام است.

فراسوی خبر... دوشنبه ۴ اسفند

برای دانستن اینکه رژیم ج.ا تا چه اندازه نسبت به بقای خود در بیم و تردید بسر می‌برد، فقط کافیت به سطح خیابان نظر انداخت و درهم‌لولیدن شبانه اوباش پاسدار و بسیجی و پستهای ایست و بازرسی را نگریست. آنها وحشت حاکمیت در تله‌ای که به‌دام افتاده را در این شکل و هیات به تصویر می‌کشند.

دستگاه حاکم از یکطرف در حال از پا درآمدن در جنگ خارجی‌ای است که خود مشوق درگرفتن آن بوده و از طرف دیگر، با خواست خاموش نشدنی و نیرومند سرنگونی از سوی جامعه روبرو است؛ آنچه که تدبیرهای گسترده امنیتی در خیابانها بر آن صحنه می‌گذارد.

به همان میزانی که ماشین نظامی-امنیتی در اثر جنگ تضعیف می‌شود، به همان اندازه نیز تقلا و فشار آن برای از دست‌ندادن کنترل اوضاع بیشتر می‌شود. حمله آمریکا و اسرائیل به مراکز و پایگاه‌های نظامی و انتظامی در شهرها و به ویژه تهران، شرایط بحرانی و نامطمئنی را برای دستگاه سرکوب به‌وجود آورده است. نیروهای آن اگرچه به مراکز غیرنظامی فرار کرده و پخش شده‌اند، با این حال تخریب تاسیسات و پایگاه‌های مادر، ارتباطات و تدارکات یک نیروی پراکنده را در شرایط جنگی بسیار دشوار ساخته و فقط به‌طور ناقص و ناکافی ممکن می‌کند. این بدترین و ترسناک‌ترین موقعیتی است که یک رژیم وابسته به قدرت قهری در مواجهه با توده برآشفتنه می‌تواند تصور کند.

شرایط از نظر سیاسی برای رژیم حاکم بهتر نیست. او که با فقدان مشروعیت اجتماعی و خواست برآمده از آن یعنی سرنگونی دست‌به‌گریبان است، در شرایط جدید با بحران مشروعیت رهبری نیز مواجه شده است. انتخاب پر ابهام و غیر شفاف مجتبی به عنوان جانشین پدر به هلاکت رسیده‌اش، این گزینش را نزد باندهای رقیب حکومتی چالش‌برانگیز کرده است و بدینگونه اُتوریت این جایگاه را در مجموع زیر سوال می‌برد. نابسامانی و آشفتگی آشکار در حل مهم‌ترین مساله رژیم ولایت فقیه، خلاء قدرت و ناکامی آن را در پر کردن حفره‌ای که حکمرانی «مطلقه» علی خامنه‌ای به‌جا گذاشته، به روی صحنه عمومی آورده است.

سُست شدن پایه سیاسی - ایدئولوژیک حاکمیت، پیامد سیاسی و اجتماعی معینی در شکل تقویت جبهه سرنگونی و ژرفش شکاف بین باندهای درونی آن خواهد داشت. این به معنای رویکرد تهاجمی‌تر جامعه در برخورد به حاکمیت و آمادگی بیشتر برای نقد کردن حسابهایی است که «نظام» در بُعد سیاسی و ماشین سرکوب آن در بُعد نظامی-امنیتی قادر به پرداخت آن نیست.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۱ اسفند

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 500 /21 March 2026

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe>

شهیدان فدایی در فروردین ماه

یادواره شهیدان فدایی / فدایی شهید محمد چوپان زاده

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی



رفیق منوچهر کلانتری نظری

رفقا: جواد
سلاحی، خشایار
سنجری، محمد
رضا معصوم
خانی، بیژن
جزنی، حسن ضیا
ظریفی، عباس
سورکی، مشعوف
(سعید) کلانتری
نظری، محمد
چوپان زاده، عزیز
سرمدی، احمد
جلیل افشار،

حمید اکرامی، محمدرضا کامیابی، غزال (پریدخت) آیتی، سیمین پنجه شاهی، نسرين پنجه شاهی، عباس هوشمند، یدالله سلسبیلی، علی میرابیون، جلیل آرازی، بردی محمد کوسه غراوی، بهرام آق آتابای، عطا خانجانی، آراز محمد بهروزی، آراز محمد وردی پور (دردی پور)، غفور عمادی، عبدالله صوفی زاده، قربان علی پور نوروز، حاجی محمد آخوندی، بهروز آخوندی، سعید جوان مولایی، انشا الله اسدیان، علی محمد خوجه، فیروز شکری، آنا بردی سرافراز، قربان (آرقا) شفیعی، سلطان علی اشتراکی فرید، محمد ابراهیم مقتاح، علی راستی پور، فیروز صدیقی، نور محمد شفیعی، پروین افروزه، پروین ره انجام، مهرداد چمنی، محمد حرمتی پور، جواد رجیبی، حسن عطازیان، عبدالرسول (رضا) عابدی، منوچهر کلانتری نظری، احمد برارپور، صدیق دیده ور، حسین باطبی، فریدون آشوری، سلیمان میربلوک، حسین الهیاری، عبدالعلی غفوری ورزنه، فرانک سعید اعمایی، کریم حاج علی محمدی، اکبر مسلم خانی، اسد رفیعیان، غلام رضا مولائی بیرگانی، مسعود رقابی (ارقابی)، بهمن فاضلی فارسانی، اسماعیل علی پناه، مسعود صدیق، جمشید هدایتی و ... در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

دستگیری چوپانزاده. «نامبرده مسلح و تصمیم به خرابکاری و ترور بعضی از مقامات موثر مملکتی را دارد.»
شهریور سال چهل و هشت: نامه ساواک به ریاست شهربانی کل کشور «محمد چوپانزاده، زندانیان سیاسی سیستان و بلوچستان را تحت تاثیر افکار خود قرار داده و یا ممکن است نقشه فرار زندانیان را طرح کند. دستور فرمایید به محل مناسبی برده شود و یا از تلقینات مضره او جلوگیری شود.»
فروردین سال پنجاه و یک: زندان شهربانی کاشان محل مناسبی برای چوپانزاده نیست. بهتر است وی به زندان ساری منتقل شود.

شهریور سال پنجاه و یک: نامه بانو (رزویتا کالیبیس) از آلمان به وزیر امور خارجه در مورد سلامتی چوپانزاده.

آذر سال پنجاه و یک، گزارش ساواک اهواز: زندانیان تحت تاثیر زندانیان امنیتی قرار گرفته و افکارشان مسموم می شود، یکی از آنها چوپانزاده است.

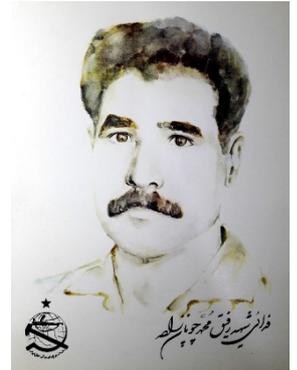
بیست و هشتم فروردین سال پنجاه و چهار: تحویل چوپانزاده به کمیته مشترک.

سی فروردین سال پنجاه و چهار: برگ معاینه جسد چوپانزاده: «روی پیشانی در سمت راست محل ورودی ۲ گلوله، شکستگی جمجمه، سائیدگی در هر دو دست در زمان حیات در اثر برخورد با جسم سخت.»

در وسایت «بنیاد عبدالرحمن برومند» پیرامون دختر رفیق محمد آمده است: «خانم میترا چوپان زاده، از هواداران سازمان مجاهدین خلق، در یک خانواده سیاسی پرورش یافته بود. پدرش، محمد چوپانزاده، یکی از شخصیت‌های سیاسی شناخته شده در زندانهای زمان شاه بود که در آن زمان اعدام شد. همسر خانم چوپانزاده، مسعود متحدین، هم که در زمان شاه زندانی بود، در حیات جمهوری اسلامی اعدام شد.»

یاد و خاطره شهیدان فدایی و مجاهد، در تپه های اوین در تاریخ ایران ماندگار است.

رفیق محمد چوپان زاده در سال هزار و سیصد و پانزده در شهر قم متولد شد. این رفیق هفده ساله بود که با رفیق بیژن جزنی آشنا شد و تا پایان زندگی مبارزاتی اش هم‌رزم رفقای گروه جزنی -



ظریفی بود. رفیق محمد چوپان زاده از جمله نه زندانی سیاسی بود که در بیست و نهم فروردین سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار توسط عناصر ساواک شاه در تپه های اوین با دستان بسته به گلوله بسته شد.

رفیق محمد در سال هزار سیصد و چهل و هفت در حالی که قصد خروج از کشور را داشت دستگیر و در بیدادگاههای شاه به زندان محکوم شد. ساواک شاه که از فعالیت سیاسی این رفیق در زندان قصر خبر داشت، وی را ابتدا به زاهدان و پس از آن به ساری تبعید کرد. مدتی بعد این رفیق را به زندان اهواز تبعید کردند و سرانجام برای اجرای جنایت در تپه های اوین، این رفیق همیشه مقاوم را به تهران منتقل کردند. دلیل انتقال تکراری این رفیق به چند زندان، گزارشهای ساواک مبنی بر تاثیر گذاری اش بر سایر زندانیان بود.

در باره روز جنایت در تپه های اوین گزارش ساواک سی ام فروردین را ذکر کرده درحالی که گزارش پزشکی قانونی روز بیست و نهم را برای فوت اعلام کرده است.

خلاصه برخی گزارشات ساواک که تصویر روشنتری از این فدایی خلق ارائه می دهد را در زیر می خوانید: چهارده فروردین سال چهل و شش: تقاضای ساواک از کلیه شهربانیها برای

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی – زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم